



سرلشکر عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشورمان ضمن تشکر از رزمندگان جان‌برکف ارتش، سپاه و بسیج اعلام کرد، برخلاف ادعاهای تبلیغاتی و رسانه‌ای سران آمریکا مبنی بر باز و آزاد بودن تنگه هرمز، این آبراه راهبردی کاملاً بسته است و با تسلط و نظارت نیروی دریایی قدرتمند سپاه مدیریت می‌شود.

سرلشکر عبداللهی در بازدید از سواحل دریای عمان نیز اعلام کرد: نیروهای دریایی و زمینی ارتش ضمن برخورداری از آمادگی و روحیه بالا، نسبت به آب‌های آزاد دریای عمان و سواحل آن اشراف و مراقبت کامل دارند و با زیر نظر داشتن تمام تحرکات دشمن در منطقه، اجازه تردد به شناورهای متخلف را نمی‌دهند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در این بازدیدها که با حضور فرماندهان نیروهای دریایی سپاه و ارتش صورت گرفت، اعلام کرد: تمام منطقه خلیج فارس و جزایر آن، دریای عمان و سواحل آن و شرق و غرب تنگه هرمز با توانمندی بسیار بالا تحت تسلط نیروهای مسلح قدرتمند جمهوری اسلامی ایران است و ضمن بسته بودن تنگه هرمز، به هیچ شناوری اجازه داده نمی‌شود خارج از ترتیبات ایرانی در این آبراه راهبردی تردد نماید.

وی هشدار داد: هر شناور متخلفی که به هر دلیلی بخواهد خارج از مسیر تعیین‌شده و ترتیبات ایرانی تردد نماید، امنیت آن به خطر خواهد افتاد و دچار آسیب جدی خواهد شد.

سرلشکر عبداللهی در ادامه اعلام کرد: نیروهای مسلح در منطقه خلیج فارس، جزایر، تنگه هرمز و سواحل دریای عمان به مراتب آماده‌تر از گذشته و با تجهیزات جدید و پیشرفته‌تر از قبل، پر قدرت و مقتدرانه در منطقه حضور دارند و با هرگونه شرارت و تجاوز دشمن با شدت بیش از گذشته مقابله خواهند نمود.

بحرین ایران

رشیدی کوچی: در جنگ بعدی، ایران خاک بحرین را تصرف خواهد کرد

نفوذ تا قلب ریاض

وحشت عربستان از چتر اطلاعاتی یمن

آمار عجیب سوخت‌گیری با کارت جایگاه

۱۰۵ بار توسط یک نفر در یک جایگاه

تقلای منافقین برای بقا

با فریب مردم و اخبار جعلی

توقف واردات خودرو و بازی دلالان

جهش قیمت‌ها فقط روی کاغذ است!

قارچ مقدس و ملوان زبل

مخدرهای جدیدی که جوانان را گرفتار توهم می‌کنند!

امنیت مسیرهای انرژی، محور اجلاس صادرکنندگان گاز



■ رئیس جمهور گفت: تأمین امنیت مسیرهای انتقال انرژی و تقویت چندانجه‌گرایی از محورهای اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز است.

مسعود پزشکیان شامگاه دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵، پیش از عزیمت به روسیه به منظور شرکت و سخنرانی در هشتمین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز، با اشاره به دعوت رئیس‌جمهور روسیه برای حضور در این اجلاس، اظهار کرد: این مجمع، سازوکاری مشابه اوپک در حوزه گاز است که جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۵ از اعضای مؤسس آن بوده است.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه ۱۲ کشور عضو اصلی و هشت کشور عضو ناظر در این مجمع حضور دارند، افزود: کشورهای عضو مجمع کشورهای صادرکننده گاز، بیش از ۷۰ درصد گاز جهان را در اختیار دارند و نقش مهمی در مدیریت و تأمین انرژی مورد نیاز دنیا ایفا می‌کنند.

پزشکیان با اشاره به تحولات منطقه‌ای و تأثیر نامنه‌ها بر مسیرهای انتقال انرژی تصریح کرد: اقداماتی که آمریکا در منطقه انجام داده و حمایت‌های این کشور از تجاوز رژیم صهیونیستی، با همراهی برخی کشورهای اروپایی، به گسترش نامنه و بروز مشکلاتی در مسیر انتقال آزاد انرژی منجر شده است؛ شرایطی که آثار آن تنها به منطقه محدود نمی‌شود و کل جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رئیس جمهور ادامه داد: در این اجلاس، گفت‌وگوهای مهمی درباره چگونگی تأمین امنیت مسیرهای انتقال انرژی، تضمین آزادی تجارت و رفع ناامنی‌های موجود خواهیم داشت؛ چراکه ناامن شدن مسیرهای انتقال انرژی به زیان همه کشورهایاست و ضرورت دارد با همکاری و تفاهم، برای حل این مشکلات راهکارهای مؤثر و پایدار اتخاذ شود.

پزشکیان با تأکید بر ظرفیت همکاری کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز، خاطرنشان کرد: دستیابی به تفاهم‌های راهبردی میان این کشورها می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت بازار جهانی انرژی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی ایفا کند.

رئیس‌جمهور همچنین دیدار با سران کشورهای حاضر در اجلاس را از دیگر فرصت‌های مهم این سفر دانست و گفت: این سفر زمینه مناسبی برای دیدار و گفت‌وگو با مقامات کشورهای شرکت‌کننده، چه در حاشیه اجلاس و چه در دیدارهای دوجانبه، فراهم می‌کند.



تقلای منافقین برای بقا با فریب مردم

بررسی تحولات اخیر پیرامون گروهک تورویستی مناقضین، گواهی روشن بر یک حقیقت انکارناپذیر است: این گروهک در وضعیت «صفر مطلق» توان میدانی و پایگاه اجتماعی در داخل ایران قرار دارد و برای بقای حیات نباتی خود، ناچار به پناه بردن به زنجیرهای از فریبهای رسانه‌ای، عملیات روانی مصنوعی و اخبار جعلی شده است. نگاهی به سه رخداد اخیر مرتبط به این گروهک، ابعاد این استیصال را عیان می‌کند:

1. مضحکه رژه دروغین در کرج:

یکی گروهک زورپسیتی که در آستانه 61 سالگی تاسیس خود تشنه حتی یک تصویر از حضور «هوادار» در داخل کشور بود برای برگزاری یک رژه خودرویی ساخته به پنهان‌سازی و پراش‌گیری رسانای و فریب متوصل شدند. این رژه 18 نفر از فرماندهان به پنهان‌سازی و فریب متوصل شدند. این رژه 18 نفر از فرماندهان به پنهان‌سازی و فریب متوصل شدند. این رژه 18 نفر از فرماندهان به پنهان‌سازی و فریب متوصل شدند.

2. ادعای تو خالی حمله به قوه قضاییه:

نشر اخبار کذب درباره حمله به ستاد مرکزی قوه قضاییه و تخریب سریع آن توسط رسانه‌های رسمی، نشان‌دهنده استراتژی «دروغ بزرگ» این گروهک است. وقتی در عمل هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد، رسانه‌های این گروهک دست‌به‌دامن رویارو دازی‌های کاغذی می‌شود تا در فضای مجازی برای خود دستاوردهایی بسازد.

3. استفاده از هوش مصنوعی برای جبران حقارت میدانی:
افشاشگری اخیر شرکت «آلتروپیک» چینی بر بهره‌گیری منافقین از مدل‌های هوش مصنوعی در عملیات‌های تبلیغاتی و جنگ روانی، بازال استیصال این گروه را کامل کرد. هوش مصنوعی نه نیروی انسانی در داخل کشور وجود دارد و نه پایگاه‌های بین مردم، گروه کاردار، تست اشکر رباتیک و تصویرسازان مصنوعی را جایگزین «کانون‌های شورشی» خیالی کند. منافقین امروز به یک «شرکت تولیدکننده اخبار جعلی» در فضای مجازی تبدیل شده‌اند. ناتوانی مطلق در ایجاد کوچک‌ترین موج میدانی، آن‌ها را به سمت مهندسی افکار از طریق قریب شهرزندان ساحل‌ل و بناتاق هوش مصنوعی سوق داده است. این یعنی سلاهی محتمم گروهکی که روزی ادعای جنگ مسلحانه داشت و خود را آلت‌رانیو جمهوری اسلامی میدید، اما امروز برای قیاب و پیوئونی دست به گدایی قریب کارانه می‌زند. بر اعتراض و ترور شکسته شد

سازمان رجوی پیش از ورود رسمی به فاز مسلحانه نیز درگیر رویارویی سیاسی با جمهوری اسلامی شده بود؛ اما پس از 30 خرداد 1360، صورت مسئله تغییر کرد. مخالفت سیاسی دیگر تنها در قالب سخنرانی، بیانیه و رقابت سیاسی دنبال نمی‌شد، ترور، بمب‌گذاری و عملیات مسلحانه به ابزار اصلی بخشی از مخالفان تبدیل شد.

هفتم تیر، انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دهها تن از مسئولان و انقلابی‌پروهای انقلاب؛ هشتم شهریور، انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت محمدعلی رجایی و محمد کرد؛ نهم تیر، سیس موی از ترورهای خیابانی، قضای کشور را بهشت امنیتی و ملت‌پرست کرد؛ دهم اردیبهشت، مسئله فقط حذف چند مقام سیاسی نبود، ترور به سطح جامعه کشیده شده بود؛ یازدهم، بازار، محل کار و کاسب و کارمند و شهروند عادی، هر یک می‌توانست قربانی عملیات سنا شده شود.

اما شاید یکی از تلخ‌ترین ابعاد این ماجرا، قربانی شدن نسلی از جوانان بود؛ نسلی که بخشی از آنان در فضای تبلیغاتی و هیجانی سازمان قرار گرفته بودند و در فاصله‌ای کوتاه از فعالیت سیاسی به مواجهه مسلحانه با جامعه و حکومت رسیدند.

در چنین شرایطی، دیگر بحث فقط بر سر مخالفت سیاسی نبود، پرسش مهم‌تری شکل گرفته بود؛ چگونه می‌توان جوانی را که دیروز با شعار آزادی وارد میدان شده بود، به جایی رساند که امروز اسلحه به‌روی مردم خود بکشد؟ اگر یک جریان سیاسی سلاح به‌دست بگیرد، آیا همچنان باید با زبان اعتراض سیاسی درباره آن سخن گفت؟

نمایش ۳۰ طرح برگزیده «هاتف» در دانشگاه شریف

نمایشگاه ارائه دستاوردهای هانت با حضور و معرفی بیش از 30 محصول فناورانه این برنامه علمی و پژوهشی صبح امروز در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. در این رویداد چند ساعته، مجریان طرح‌های مختلف علمی و فناورانه، با ارائه دستاوردهای خود، آنها را به سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های صنعتی، دانشجویان و اساتید دانشگاه معرفی کردند. برنامه «هانت» دانشگاه صنعتی شریف با حمایت از 52 طرح فناورانه، زمینه توسعه 46 محصول و تأسیس 31 شرکت نوپا را فراهم کرده است؛ حال قرار است دستاوردهای این برنامه که با هدف تبدیل ظرفیت علمی دانشگاه به کسب‌وکارهای فناورانه اجرا شده، سوم آبان‌ماه در نمایشگاهی با حضور سرمایه‌گذاران و فعالان صنعت معرفی شود. بهنام طالبی، رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه صنعتی شریف در حاشیه این نمایشگاه با اشاره به این طرح هانت دانشگاه صنعتی شریف گفت: طرح هانت بیش از دو سال گذشته با همکاری مشترک معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری آغاز شد. در کام‌نخست و پاس از انتشار فراخوان عمومی، بیش از 150 طرح فناورانه به دبیرخانه ارسال شد که پس از داورهای فشرده و کارشناسی، 52 طرح برای ورود به این دوره انتخاب شدند.

وی افزود: امروز شاهدیم که از میان 52 طرح برگزیده، بیش از 30 طرح مستقیماً به محصول نهایی تبدیل شده، شرکت‌های مربوط به آنها به ثبت رسیده و هم‌اکنون این واحدهای فناوری در مرکز رشد دانشگاه مستقر هستند. رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه شریف به اهداف برپایی این نمایشگاه کرد و اشاره کرد و گفت: هدف اصلی از برگزاری این رویداد، فراهم کردن بستری برای تعامل مستقیم میان فناوری با سرمایه‌گذاران و مشتریان بالقوه است تا شرکت‌ها بتوانند محصولات خود را از نزدیک معرفی کنند و پایه‌های همکاری‌های راهبردی و



لحن مقتدرانه پیام رهبر انقلاب و مسئله عقبه اجتماعی

تولیعهم سئاری، کارشناس مسائل ایران در یادداشتی نوشت: تقویه جمرانهای بواقعه یعنی پیچیده است. به این دلیل که در میان جبرانهای سیاسی داخل ایران و قوهل اویزسون قلم متفاوتی از انم سئاری تبلیع می شود. شاید بتوان با جرئت گفت این گونه نیست که همم متواتر وجود داشته باشد بلکه فقط در عرضه و تبلیع آن هاهاگ می افاد سیاسی خود را با آن چیز که عرضه می کند، هماهنگ می سازد.

نزد این صورت یعنی تمامی جریان‌های سیاسی رسمی داخلی و حتی یوزبزیسیون پذیرفته‌اند که پس از دو جنگ اخیر پایگاه اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی یا آن‌گونه که رهبری معظم انقلاب نامیدند «عقبه اجتماعی ایران» افزایش یافته است.

بنابر این می‌توان مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران به یک قدرت چالش‌برانگیز دیگر در مقابل قدرت‌های خارجی دست یافته و آن ایستادگی مردم پای وطن خویش است.

[illegible]

نقلاب بر این‌ها یعنی بر قدرت نظامی یا تاب‌آوری اقتصادی نبوده است. ایشان فرمودند «با محاسبات الهی ایران قدرت اول جهان است».

ولی این سخن به معنای ناپذیردگرفتن شواهد میدانی نیست،
تقیقا اگر ایران خود را مستظرف به امداد الهی می‌داند، تشنه‌ها و
شهادت آن در همین افزایش عقبه اجماعی می‌یابد، از رسول -
گرامی اسلام (ص) نقل است که ایشان می‌فرمودند من می‌خواهم و شواهد و
سؤنکها در میان شما قضاوت می‌کنم و بر اساس محاسبات زمینی
حکمرانی می‌کنم. پس مفهوم عقیق سخن رهبر انقلاب که ایران
بر پایه محاسبات الهی قدرت اول دنیا می‌یابد، علم غیب نیست، بلکه
هوین محاسبات زمینی و شواهد است

شش‌شاهد به‌خوبی و به‌میانه نشان می‌دهد که ایران به یک تحقیر جماعی بزرگ دست یافته که پس از جنگ دو اخیر برای آنان مسجل شد که تللیفات دشمن خارجی برای کمک به مردم ایران تا چه حد فربه و غل‌پازی بود و تا چه حد نام تحقیر خود را «کمک» گذاشته بودند. دشمنان و برخی بدخواهان داخلی نیز در اصل این تریبک تریبک کردند، هر چند نهایی دیگر را به آنان می‌گازاند و آن را نوعی ملی‌گرایی که رطبی به نظام ندارد می‌دانند. ولی می‌توان به این‌سان داد انقلاب اسلامی یا حتی مشروطه

چگونه شکل گرفت؟

«ایمان آن بود نوعی ملی‌گرایی بود که ربطی به نظام‌ها حاکم نداشت!» اگر آن پایگاه‌های عظیم اجتماعی که در زمان مشروطه به‌ویژه در انقلاب اسلامی شکل گرفت، یک حرکت آیدئولوژیک و ملی‌گرایی هم خالی و بی‌بهره نبود پس هر ملی‌گرایی یا حرکت در جهت حفظ ملت و وطن می‌تواند نوعی تغییر بارور و بنوعی یک حرکت تلقی شود.

مقیه اجتماعی شکل گرفته در زمان حاضر نیز با تغییر باورها و گسترده اکثریت جامعه نسبت به تبلیغات خارجی و شبکه‌های ماهواره‌ای و نسبت به وعده‌های آمریکا همراه بوده است. وطن و خاک بدون قید و باور، ناقص است. قوی‌ترین جریان‌های ملی‌گرایی در نظام‌های سیاسی جهان نیز وقتی سخن از وطن و ایوب‌خاک می‌کنند، آن را همراه با یک قیده هم‌ای می‌سازند نه ریه ستیغ و مرز و حدود جغرافیایی به همین دلیل اتکای رهبر انقلاب در پیام اخیرشان که برای بار چندم مردم را به حفظ خبیانان و میلان دعوت کردند و آن را استوند، همان باوری است که پشت این حضور شکل گرفته است. اگر چنین حضوری نبود شاید تکلیف جنگ چهل‌روزه خیلی زودتر بنفع دشمن می‌م و تمام می‌شد. اما دست کم هنوز در فضای بمباران به امید برانزایی می‌دست خود مردم بدم.

کنون یک عقیده سیاسی و اجتماعی بزرگ داریم که سه بخش و گروه هستند. گروه بزرگی از آن عقیده میهنه در این صحنه‌ها حضور دارند و نشاندند و تقابل تبلیغ و تهدید را آنان را میهنه خارج نمی‌کرد و نمی‌کند. بخش دیگری اگرچه حضور مستمر و حمایتی نداشتند ولی هرگز حاضر نبودند با دشمن همراهی کنند. اینان اکنون دوشادوش بدسته اول در صحنه درازناری‌های نسبی و مقطعی خود را پنهان می‌کنند.

دسته سوم، دشمن را باور کرده بودند یا دست کم می‌توان گفت از حکومت ناامید شده بودند و به دشمن می‌دوید. این دسته نیز به صبرتی عالی رسیدند که جز با حمایت آمریکا و اسرائیل در حمله به کودتاکان و زیرساخت‌ها و دانشمندان و استادان این حلات را کم‌کم‌نابین ممکن نمی‌شد. این سه دسته دشمن آن‌گونه کنار هم عقبه اجتماعی مدنظر رهبر معظم انقلاب را شکل داده‌اند.

گذراندن مراحل رشد، می‌توانند به شرکت‌های بزرگ و اثرگذاری
بسیار شوند که قابلیت صادرات و حضور فعال در بازارهای جهانی را نیز
بیاورند داشت، تاکید کرد: این الگو تجربه‌ای کاملاً موفق در دانشگاه
مستعفی شریف بود و با توجه به اینکه متولی اصلی این رویکرد معاونت
علمی و فناوری ریاست جمهوری است

نمای سازی در آینده پی‌ریزی شود. وی اضافه کرد: یکی از تجارب بسیار مثبت و ارزشمند ما در این فرآیند این بود که اثبات شد اگر مایه‌ی شایسته و به‌موقع از اساتید دانشگاه صورت گیرد، آنها پتانسیل لایه‌ی در خلق محصول، خدمات نوآورانه و تأسیس شرکت‌های شریک دارند. طالبی با بیان اینکه هر یک از این مجموعه‌ها پس

ابوالفضل بیهقی؛ نویسنده‌ای که تاریخ را به ادبیات پیوند زد



توانایی در به‌کارگیری زبان متناسب با موضوع و پرهیز از آرایش‌های بی‌دلیل است.او از ضرب‌المثل‌ها، تمثیل‌ها، عبارت‌های حکمت‌آمیز و اشاره‌های تاریخی برای روشن‌تر کردن معنا استفاده می‌کند. این عناصر به متن او عمق می‌بخشند و گاهی یک تجربه سیاسی را به نکته‌ای عمومی درباره زندگی انسان تبدیل می‌کنند. در نوشته‌های بیهقی، تجربه‌های دربار غزنویان تنها به همان دوره تعلق ندارند؛ بسیاری از آنها درباره جاه‌طلبی، وفاداری، ترس، اعتماد و پیامدهای تصمیم‌های نادرست‌اند.یکی دیگر از ویژگی‌های نثر او، تصویرسازی است. بیهقی با شرح محیط، رفتار اشخاص و فضای وقوع حوادث، به خواننده کمک می‌کند صحنه‌ها را در ذهن خود مجسم کند. این توانایی در توصیف، از عواملی است که تاریخ بیهقی را به اثری فراتر از یک سند تاریخی تبدیل کرده است.در عین حال، نثر بیهقی را نباید با معیارهای نثر امروزی سنجید. ساختار جمله‌ها، واژگان و شیوه بیان او به زبان فارسی سده پنجم تعلق دارد و ممکن است برای خواننده امروز به توضیح نیاز داشته باشد.
باین‌حال، همین زبان تاریخی یکی از ارزش‌های اثر اوست؛ زیرا تصویری از ظرفیت‌های فارسی در دورهای مهم از تحول این زبان ارائه می‌دهد.بیهقی از این جهت اهمیت دارد که میان دقت در ثبت رویدادها و هنر روایت تعادل برقرار می‌کند. او برای جذاب کردن متن، واقعیت را به داستانی ساختگی تبدیل نمی‌کند؛ بلکه با انتخاب درست جزئیات، نقل روایات‌ها و توجه به رفتار شخصیت‌ها، ظرفیت ادبی واقعیت تاریخی را آشکار می‌سازد.این شیوه را می‌توان یکی از ویژگی‌های ماندگار نویسندگی او دانست. در تاریخ بیهقی، سیاست از زندگی روزمره جدا نیست و تصمیم‌های حکومتی در رفتار و سرنوشت افراد نمود پیدا می‌کنند. خواننده با پادشاهان و کارگزارانی روبه‌رو می‌شود که قدرت

ابوالفضل بیهقی تنها یک مورخ نبود؛ او نویسنده‌ای بود که با شیوه روایت، انتخاب واژه‌ها و نگاه دقیق به رفتار انسان‌ها، جایگاهی ماندگار در تاریخ نثر فارسی پیدا کرد. اهمیت او در ادبیات ایران به اندازه‌ای است که نامش در کنار بزرگ‌ترین نویسندگان نثر کلاسیک فارسی قرار می‌گیرد.مهم‌ترین ویژگی بیهقی این بود که تاریخ را به گزارشی خشک از نام پادشاهان، جنگ‌ها و تاریخ رویدادها محدود نکرد. او به شخصیت‌ها جان می‌داد، گفت‌وگوها را بازسازی می‌کرد، فضای دربار را به تصویر می‌کشید و با شرح جزئیات، خواننده را در متن حوادث قرار می‌داد. به همین دلیل، خوانند تاریخ بیهقی تنها آشنایی با گذشته نیست؛ تجربه مواجهه با یک اثر ادبی است که در آن، واقعیت تاریخی با هنر نویسندگی پیوند خورده است.بیهقی در دورای زندگی می‌کرد که نثر فارسی به‌تدریج در عرصه‌های اداری، علمی و ادبی گسترش می‌یافت. زبان فارسی در کنار زبان عربی، جایگاه مهمی در فرهنگ و دانش جهان اسلام پیدا کرده بود و نویسندگان درباره نقش مؤثری در گسترش آن داشتند. بیهقی در همین فضای فرهنگی پرورش یافت و توانست از ظرفیت‌های زبان فارسی برای بیان موضوعاتی پیچیده، از سیاست و حکومت تا اخلاق و روابط انسانی، استفاده کند.

او سال‌ها در دیوان رسالت غزنویان فعالیت کرد؛ جایگاهی که آشنایی با نام‌گذاری رسمی، شیوه نگارش اداری و ظرافت‌های زبان را برایش به همراه داشت. باین‌حال، ارزش ادبی نوشته‌های او صرفاً حاصل تجربه دیوانی نبود. بیهقی توانایی ویژه‌ای در مشاهده رفتار انسان‌ها، انتخاب جزئیات مهم و تبدیل تجربه‌های واقعی به روایتی منسجم داشت. نثر بیهقی از نمونه‌های برجسته نثر فارسی در سده پنجم هجری است. جمله‌های او گاه طولانی و توصیفی‌اند و گاه با عبارتی کوتاه، معنای یک واقع‌ه را روشن می‌کنند. او به اقتضای موضوع، میان شرح مفصل و بیان موجز حرکت می‌کند و از این راه، ریتم روایت را حفظ می‌کند.

یکی از ویژگی‌های مهم نوشته‌های او، توانایی در روایت‌پردازی است. بیهقی معمولاً تنها نمی‌گوید چه اتفاقی افتاده است؛ بلکه می‌کوشد نشان دهد رویداد چگونه شکل گرفته، چه کسانی در آن نقش داشته‌اند و تصمیم‌ها چه پیامدهایی به دنبال آورده‌اند. این شیوه باعث می‌شود گزارش تاریخی او به روایتی پیوسته و خواندنی تبدیل شود. توصیف شخصیت‌ها نیز در نثر بیهقی اهمیت فراوانی دارد. او افراد را فقط با عنوان و مقامشان معرفی نمی‌کند، بلکه از رفتار، گفتار، مناسبات و واکنش‌هایشان سخن می‌گوید. در نتیجه، خواننده می‌تواند تفاوت میان شخصیت‌ها را درک کند و انگیزه‌ها و ضعف‌های آنان را بهتر بفهمد. این توجه به جزئیات انسانی، یکی از عواملی است که اثر او را از بسیاری از گزارش‌های رسمی و یکسویه تاریخی متمایز می‌کند.

بیهقی همچنین در نقل گفت‌وگوها مهارت دارد. گفت‌وگو در نوشته‌های او وسیله‌ای برای انتقال اطلاعات صرف نیست؛ بلکه به شناخت شخصیت‌ها و روشن شدن مناسبات قدرت کمک می‌کند. گاهی یک پاسخ، یک سکوت یا یک رفتار کوتاه، فضای سیاسی و روحیه افراد را بهتر از توضیحی طولانی آشکار می‌سازد.بیهقی از واژگان و ترکیب‌های متنوع فارسی بهره می‌گیرد و در کنار آنها، از تعبیرها و واژه‌های عربی رایج در روزگار خود نیز استفاده می‌کند. این ترکیب، بازتابی از زبان فرهنگی و اداری عصر اوست. باین‌حال، آنچه نثرش را برجسته می‌کند،

■ سال‌هاست از آموزش و پرورش سخن می‌گوییم، گویی با دو مأموریت مستقل رو به رو هستیم، یک مأموریت در کلاس، کتاب، امتحان، نمره و مدرسه و دانشگاه اتفاق می افتد و مأموریت دیگر در نمازخانه، اردو، مراسم، مناسبت‌ها است. در یک سوی این تقسیم‌بندی دانش آموز باید ریاضی، فیزیک، شیمی، ادبیات و زبان یاد بگیرد، نمره بگیرد، در آزمون موفق شود و مدرک بگیرد، و در سوی دیگر از اخلاق، فرهنگ، مسئولیت‌پذیری و تربیت سخن گفته می‌شود. شاید خطای اصلی مدرسه ایرانی از همین جا آغاز شده باشد، چرا که اگر مدرسه قرار است انسان تربیت کند، آیا دانش آموز در ساعت ریاضی از تربیت خارج می‌شود؟ در کلاس فیزیک، ادبیات و تاریخ چه اتفاقی برای شخصیت او می‌افتد؟ آیا تربیت فقط زمانی آغاز می‌شود که معاونت پرورشی وارد برنامه شود؟ اما واقعیت مدرسه چنین نیست.دانش آموز هنگام حل مسئله ریاضی، دقت، نظم و مواجهه با خطا را تجربه می‌کند، در کلاس تاریخ نسبت او با سند، روایت و حقیقت شکل می‌گیرد، در آزمایشگاه، پرسشگری و پذیرش خطا را تمرین می‌کند، در امتحان، رقابت، شکست، رقابت، عدالت و مسئولیت رو به رو می‌شود. از همین رو، حتی رفتار معلم با یک پاسخ درست یا گاه حتی غلط، به او می‌آموزد که اشتباه بخشی از مسیر یادگیری است یا چیزی که باید از آن ترسید. از این منظر، مدرسه حتی در زمانی که می‌گوید من فقط آموزش می‌دهم، در حال تربیت کردن است. بنابراین مسئله اصلی این نیست که آموزش بهتر است یا پرورش، بلکه مسئله این است که چرا دو فرایندی را که در زندگی واقعی انسان از یکدیگر جدا نیستند، در ساختار مدرسه از هم کمرنگ می‌جا جدا کرده‌ایم ؟وقتی از اول بودن پرورش سخن می‌گوییم، منظور این نیست که کودک ابتدا چند سال تربیت شود و بعد آموزش ببیند، چرا که چنین برداشتی با واقعیت رشد انسان سازگار نیست. کودک هم‌زمان با آموختن زبان، عدد، علوم و مهارت‌های مختلف در حال شکل‌گیری شخصیت خود است، در این جا سخن از تقدم دیگری است و آن تقدم غایت و جهت می‌باشد. دانش به انسان توانایی می‌دهد، تربیت به این توانایی جهت میدهد و آموزش به انسان کمک میکند بفهمد چگونه مسئله‌ای را حل کند. از همین رو، تربیت او را با این پرسش مواجه می‌کند که کدام مسئله ارزش حل کردن دارد و قدرتی که به دست آورده باید در چه مسیری به کار گرفته شود. بنابراین اگر بخواهیم از تقدم تربیت بر آموزش سخن بگوییم، مقصود تقدم زمانی نیست، بلکه تربیت از حیث غایت و جهت مقدم است، چرا که این تمایز مسئله مدرسه را روشن تر می‌کند. مدرسه‌ای که فقط انتقال دانش را مأموریت خود بداند، ممکن است انسان توانمند تری تحویل جامعه دهد، اما تضمینی ندارد که این توانایی با مسئولیت، انصاف و معرفت همراه شود.در منطق قرآن، تعلیم از تزکیه و حکمت جدا نیست. برای مثال در دعای حضرت ابراهیم (ع) آمده است که پیامبری برانگیخته شود که آیات الهی را بر مردم بخواند، کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و آنان را تزکیه کند. همین سه کارکرد در سه آیه دیگر نیز آمده است (بقره: ۱۵۱، آل عمران: ۱۶۴، جمعه: ۲)، با این تفاوت که در هر سه، تزکیه پیش از تعلیم آمده است. این تفاوت در ترتیب نشان می‌دهد که قرآن رابطه‌ای خطی میان تعلیم و تزکیه ترسیم نمی‌کند و نمیشود از آن الگوی ساده ابتدا آموزش، سپس تربیت را استخراج کرد. از سوی دیگر، قرآن با مفهوم تعلیم بیگانه نیست، چرا که در آغاز سوره علق، از آموزش با قلم و تعلیم انسان



هخامنشی می‌داند. البته این شواهد را نباید به معنای آرمانی بودن جوامع باستان یا وجود آموزش اخلاقی یکسان برای همه مردم دانست، چرا که آموزش در آن دوره‌ها عمدتاً محدود به گروه‌ها و طبقات خاص بود، و اهمیت این شواهد در چیز دیگری است، مثلاً در بخش‌هایی از تمن‌های ایران، مصر، چین و یونان، آموزش فقط به انتقال مهارت و محفوظات محدود نمی‌شد و با پرسش از منش، رفتار و شیوه زندگی انسان همراه بود. از این منظر، تقدم تربیت بر آموزش به معنای آن نیست که کودک ابتدا سال‌ها تربیت شود و سپس آموزش را آغاز کند، بلکه منظور، تقدم تربیت در غایت و جهت آموزش است.

در ایران اسلامی و دوره‌های بعد، مکتب خانه یکی از مهمترین نهادهای آموزش ابتدایی بود. کودکان معمولاً از حدود پنج یا شش سالگی وارد مکتب می‌شدند و آموزش با الفبا و قرآن آغاز می‌شد. در ادامه، خواندن و نوشتن، حساب ابتدایی و در برخی مکتب خانه‌ها متون ادبی مانند گلستان بوستان سعدی و اشعار حافظ آموزش داده می‌شد. اما مکتب‌خانه را نباید صرفاً محلی برای انتقال سواد و محفوظات دانست، به خاطر اینکه در بسیاری از سنت‌های مکتب داری، رابطه استاد و شاگرد و توجه به رفتار و منش شاگرد نیز بخشی از فرایند تعلیم بود. استاد، افزون بر آموزش خواندن و نوشتن و متون دینی و ادبی، گاه درباره فضایل اخلاقی، ادب و معاشرت و شیوه درست زندگی سخن می‌گفت و از این طریق آموزش با تربیت همراه می‌شد. البته مکتب خانهاها یکسان نبودند و منابع تاریخی از سخت گیری و حتی تنبیه بدنی در برخی آنها نیز سخن گفته‌اند. بنابراین نمی‌توان گذشته را کامل آرمانی تصویر کرد یا نسل‌های پیشین را در مجموع اخلاقی‌تر و مودبتر دانست.

اما نکته قابل تأمل، الگوی پیوند دانش با هویت، فرهنگ و شیوه زندگی است. کودکی که گلستان می‌خواند، هم‌زمان با زبان و ادبیات و حکایت‌های اخلاقی، آشنا می‌شد و کودکی که قرآن می‌آموخت، با بخشی از سنت دینی و زبانی خود ارتباط پیدا می‌کرد. امروز دانش آموز ممکن است اطلاعات بسیار بیشتری بیاموزد، اما آنچه اهمیت دارد، چگونگی پیوند این دانسته‌ها با فرهنگ، زندگی و مسئولیت‌های اوست. بنابراین مسئله فقط مقدار دانش نیست، بلکه نسبت انسان با دانسته هایش نیز اهمیت دارد.



مسجد جامع کرمان؛ آتشی در حافظه انقلاب

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی، معاون امور استان‌های شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، با اشاره به رویکرد تازه شورا در حوزه تبیین گفت: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در سال‌های اخیر در کنار برنامه‌های ثابت خود برای بزرگداشت مناسبت‌ها و ایام‌الله انقلاب اسلامی، اقدامات جدیدی را برای تولید محتوای تحلیلی و تبیینی آغاز کرده است. وی انتشار بیانیه‌های تحلیلی درباره موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی، بررسی پژوهشی مناسبت‌های مختلف و برگزاری نشست‌های تخصصی را از جمله این اقدامات برشمرد و افزود: این بیانیه‌ها از طریق پیامک، پایگاه اطلاع‌رسانی شورا و رسانه‌های مختلف در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد تا زمینه شناخت دقیق‌تر تاریخ معاصر ایران فراهم شود.معاون امور استان‌های شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با اشاره به محور اصلی نشست گفت: در بازخوانی واقعیت‌های دوران پهلوی، چهار مولفه استبداد، وابستگی، دین‌ستیزی و رویکردهای ضد مردمی رژیم باید مورد توجه قرار گیرد. وی افزود که در این میان، بررسی شیوه مواجهه حکومت پهلوی با مساجد و نهادهای مذهبی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه مساجد در دوران انقلاب اسلامی به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های سازمان‌دهی مردم و گسترش نهضت تبدیل شده بودند.میرتاج‌الدینی واقع‌ه 24 مهر 1357 مسجد جامع کرمان را یکی از صفحات مهم تاریخ انقلاب اسلامی دانست و گفت: حمله به این مسجد و شهادت شماری از مردم و انقلابیون، رخدادی است که باید در پیوند با تحولات پیش و پس از آن بررسی شود. به گفته او، پس از شهادت ایت‌الله سیدمصطفی خمینی در سال 1356، موج اعتراض‌های مردمی در کشور گسترش یافت و قیام 19 دی قم، قیام 29 بهمن تبریز و حوادث بعدی، زنجیره‌ای از حرکت‌های مردمی را شکل داد که در نهایت به گسترش نهضت انقلاب اسلامی انجامید.وی با اشاره به حوادث تبریز گفت: ممانعت از برگزاری مراسم چهارم شهدای قیام 19 دی در مسجدی در تبریز و برخورد با حاضران، زمینه‌ساز اعتراض‌های گسترده مردم شد. به گفته این مسئول، تعرض به مساجد در تبریز و کرمان را باید در چارچوب تحولات آن دوره و روند گسترش اعتراض‌های مردمی بررسی کرد؛ زیرا این حوادث به یکدیگر پیوسته بودند و در شکل‌گیری فضای انقلابی جامعه نقش مؤثری داشتند. میرتاج‌الدینی همچنین با اشاره به حوادث دِی‌ماه سال گذشته، تعرض به مساجد و اماکن مذهبی را یادآور رویکردهای ضد دینی دوران پهلوی خواند و گفت بررسی این موضوعات می‌تواند به شناخت بهتر پیوندهای تاریخی و فکری میان جریان‌های سیاسی کمک کند. او در پایان با استناد به آیات قران کریم درباره جایگاه مساجد و نکوهش تخریب آنها، بر ضرورت حفظ حرمت اماکن مذهبی و تبیین ابعاد تاریخی و اجتماعی تعرض به مساجد در دوران پهلوی تأکید کرد.

روایت مستند برای نسل جوان

در ادامه دکتر علیرضا معاف، معاون پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، با اشاره به اهمیت نشست‌های تخصصی «جهاد تبیین» گفت: این نشست‌ها فرصتی برای بازاندیشی درباره موضوعاتی است که هم با تاریخ انقلاب اسلامی و هم با شرایط امروز کشور ارتباط دارند. وی با انتقاد از کمبود روایت‌های جامع و مستند از دوران پهلوی اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آن‌گونه که باید برای تدوین و ارائه روایتی مستند و مبتنی بر اسناد از واقعیت‌های آن دوره تلاش نشد و همین کم‌کاری زمینه را برای شکل‌گیری روایت‌های وارونه و مغشوش فراهم کرد.معاف افزود: در سال‌های اخیر برخی جریان‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌ها، فضای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی تلاش کرده‌اند با برجسته‌سازی بخشی از واقعیت‌ها و پنهان‌کردن بخش‌های دیگر، تصویری متفاوت از رژیم پهلوی ارائه دهند و پروژه تلهپیر این رژیم را پیش ببرند. به گفته او، مقابله با این روند تنها از مسیر رجوع به اسناد، منابع تاریخی و پژوهش‌های علمی ممکن است.

وی با اشاره به خاطرات و نوشته‌های مسئولان دوران پهلوی گفت: حتی در انثار منتشرشده از افراد مسئول در آن دوره، مطالبی درباره فساد اقتصادی، فساد اخلاقی و وابستگی حکومت به قدرت‌های خارجی وجود دارد که می‌تواند در شناخت واقعیت‌های آن دوران مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد. معاون پژوهش شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی همچنین بر ضرورت تبیین وضیعت اجتماعی و اقتصادی مردم در دوران پهلوی تأکید کرد و گفت: بررسی اسناد تاریخی درباره دسترسی مردم به امکانات اولیه زندگی، از جمله آب و برق، و شاخص‌های توسعه در آن دوره می‌تواند تصویر واقعی‌تری از شرایط جامعه پیش از انقلاب در اختیار نسل جوان قرار دهد.



آتش خشم جوانان در اروپا از فرانسه تا اسپانیا

نشریه دی سایت در گزارشی به اعتراضات گسترده در سراسر اروپا که عمدتاً جوانان خشمگین و ناراضی در آن حضور داشتند پرداخته و نوشت: اروپاییان نه تنها روز گذشته مجدداً در فرانسه به خیابان‌ها آمدند بلکه در سایر کشورهای اروپایی نیز به‌خصوص جوانان علیه هزینه‌های بالای زندگی، فساد و همچنین جنگ‌های خونین از جمله در غزه تظاهرات کردند و همچنین خواستار ودجه بیشتر برای آموزش شدند. در بسیاری از نقاط، درگیری‌های خشونت‌آمیزی بین پلیس و تظاهرکنندگان رخ داده است.

آلبانی در تیرانا، پلیس آلبانی از گاز اشک‌آور، ماشین‌های آب‌پاش و گلوله‌های لاستیکی علیه تظاهرکنندگان استفاده کرد. معترضان به سمت مأموران سنگ پرتاب کرده و ورودی وزارت کشاورزی را به آتش کشیدند. اعتراضات در این کشور به رهبری دانشجویان علیه فساد دولت، کمبود شغل و استانداردهای پایین آموزشی صورت گرفته است. آنها خواستار استعفاى ادی راما، نخست وزیر این کشور هستند که از سال 2013 در این سمت بوده است. در هفته‌های اخیر ناآرامی‌ها و اعتراضاتی در این کشور رخ داده بود که در جریان آنها ساختمان‌های دولتی از جمله اهداف حملات آتش‌سوزی بودند. ناآرامی‌های فعلی در این کشور پس از اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز تابستان رخ می‌دهد. این اعتراضات علیه یک پروژه ساختمانی لوکس جنجالی بود که توسط جارد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، رهبری می‌شد.

ایتالیا در ایتالیا نیز 380 نفر در جریان اعتراضات روز گذشته دستگیر شدند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده در 110 مورد، دستگیرشدگان افسر زیر سن قانونی بودند. حدود 3000 نفر در هر یک از شهرهای رم و میلان تظاهرات کردند و درگیری‌های پراکنده‌ای بین تظاهرکنندگان و پلیس رخ داد. نیروهای امنیتی در چندین شهر ایتالیا با ترس از تکرار خشونت‌های مشاهده شده در آخر هفته گذشته، با استقرار گسترده افسران در حالت آماده باش بودند. تنش‌ها دوباره در میلان، تورین و بولونیا شعله‌ور شد. در بولونیا، پلیس از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش برای مسدود کردن دسترسی معترضان به ایستگاه اصلی قطار استفاده کرد. در میلان، درگیری‌های جدیدی رخ داد و پلیس تظاهرات را متوقف کرد. در جریان این تجمعات پلیس از باتوم علیه معترضان استفاده کرد. ترس خشونت بیشتر، بسیاری از مغازه‌های لوکس تخته شدند و بیش از 1400 افسر در سراسر شهر مستقر شدند. هفته گذشته، تظاهرات در این کشور عمدتاً علیه هزینه‌های بالای زندگی بود. این بار، اعتراضات طیف وسیع‌تری را در بر می‌گرفت. برای مثال، برخی گروه‌ها علیه مسابقه تسلیحاتی و در حمایت از فلسطین نیز تظاهرات کردند.

اسپانیا در مادرید، پایتخت اسپانیا هم طبق اعلام فرمانداری شهر، 25000 نفر در حمایت از حفظ سیستم بانزنشستگی دولتی تظاهرات کردند. در بارسلونا هم طبق گزارش‌ها، صدها نوجوان و جوان اعتراض کردند. پلیس پس از درگیری‌ها حدود 100 تظاهرکننده را دستگیر کرد. به گزارش روزنامه اسپانیایی ال پائیس و ایستگاه تلویزیونی کاتالونیا پتوه، تقریباً یک چهارم دستگیرشدگان افراد زیر سن قانونی بودند. انتخابات زودهنگام پارلمانی در اسپانیا در تاریخ 29 نوامبر برگزار خواهد شد. اعتراضات گسترده پس از هشدار دولت پدرو سانچز، نخست وزیر سوسیالیست، در مورد پیروزی احتمالی حزب محافظه‌کار مردم (PP) صورت گرفت. گفته می‌شود محافظه‌کاران می‌خواستند ارتباط بین حقوق بانزنشستگی و تورم را از بین ببرند. آلبرتو نونز فیجو، رهبر حزب مردم، این اتهام را رد کرد. او به مردم اطمینان داد که در صورت پیروزی حزیش در انتخابات پارلمانی در 29 نوامبر، حقوق بانزنشستگی را مطابق با قانون تنظیم خواهد کرد. پس از آنکه پدرو سانچز، نخست وزیر اسپانیا نتوانست اکثریت کافی در پارلمان را برای بسته اقدامات خود برای مقابله با بحران مسکن کشور به دست آورد، پارلمان را منحل کرد و انتخابات جدید را کلید زد. این اقدام پس از اعتراضات سراسری در اواخر سپتامبر و اوایل اکتبر، که با اخراج ماریکارمن آلباسکال 87 ساله آغاز شد، صورت گرفت. اعتصاب عمومی سراسری برای مسکن مقرون به صرفه هم برای 11 نوامبر، دو هفته قبل از انتخابات پارلمانی، در این کشور اعلام شده است.

پرتغال پلیس پرتغال هم در ساعات اولیه صبح روز گذشته یک اردوگاه اعتراضی علیه کمبود مسکن در مرکز لیسبون را برچید. بر اساس گزارش‌های منتشر شده چندین نفر در این اعتراضات دستگیر شدند. تعداد زیادی مأموران پلیس، از جمله مأمورانی که سگ همراه داشتند، مستقر شدند. بحران مسکن در پرتغال، که یکی از بدترین بحران‌ها در اروپا است، زمینه‌ساز این وضعیت است. قیمت املاک از سال 2017 بیش از دو برابر شده و اجاره بها برای اجاره‌های جدید تقریباً به همان شدت افزایش یافته است. جوانان به ویژه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

تحلیلگر ترکیه‌ای: با پیمان مکه تبدیل به محافظان اسرائیل شده‌ایم



این روزها در ترکیه شاهد تحرکات فراوانی از سوی آن دسته از فعالان دینی و سیاسی متعهدی هستیم که همچنان به گفتن صهیونیسم ستیزی پایبند مانده‌اند و مکرراً درباره خطرات نقشه‌های شوم رژیم اسرائیل، هشدار می‌دهند. در همین حال، برخی از تحلیلگران ترکیه نیز با استناد به رویدادهای تاریخی، درباره پیامدهای تبعیت از اهداف و رویکردهای اسرائیل به دولت اردوغان هشدار می‌دهند. ارسالان بولوت تحلیلگر برجسته ترکیه، به مدت سه روز پیاپی، ستون تحلیلی خود را به بررسی انتقادی رویکردهای آنکارا در قبال رژیم اسرائیل اختصاص داده و به نکات جالب توجهی اشاره کرده است.

اسرائیل، خادم الحرمين خواهد شد؟ لایحه مربوط به تصویب توافقنامه دفاع مشترک مکه در 20 اکتبر 2026 به پارلمان ترکیه ارائه شد. قرار است این لایحه در ابتدا در کمیته امور خارجه مورد بحث قرار گیرد و سپس به صحن علنی فرستاده شود. توافق بین عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه تصریح می‌کند که اگر به یکی از طرفین حمله شود، طرفه‌های دیگر کمک نظامی ارائه می‌دهند و می‌توانند حتی بدون حمله نیز اقدامات نظامی انجام دهند. همچنان که اوزگور اول، رهبر حزب نو گفته است: «اعزام سربازان ترکیه به یمن طرح ترکیه نیست و طرح ترامپ است. این طرح به نفع اسرائیل و آمریکا است. ترکیه نباید به عنوان یکی از طرفین درگیر در این جنگ در نظر گرفته شود.» ولی اردوغان در تماس تلفنی با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، حملات حوثی‌ها را محکوم و اعلام کرد که ترکیه همچنان در کنار عربستان سعودی خواهد ایستاد. توافق امنیتی مکه، کشور ترکیه، رژیم صهیونیستی (اسرائیل)،

نفوذ تا قلب ریاض؛ وحشت عربستان از چتر اطلاعاتی یمن



مواضع انصارالله را دشوارتر می‌کند؛ زیرا هرگونه جابه جایی نیرو و تجهیزات می‌تواند پیش از رسیدن به مرحله اجرا، به فرصتی برای ضربه زدن به طرف مقابل تبدیل شود.

اشراف نیروهای مسلح یمن بر پایگاه های هوایی یکی دیگر از ابعاد مهم برتری اطلاعاتی انصارالله، اطلاع دقیق از تحرکات هوایی عربستان است. یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، در بیانیه‌های متعدد خود جزئیات حملات هوایی سعودی، نوع جنگنده‌ها و پایگاه های محل پراخت آنها را اعلام کرده است. اهمیت این اطلاعات در جزئیات آن نهفته است. اطلاع از نوع جنگنده، پایگاه مبدا و روند تکرار حملات، نشان می‌دهد که عملیات هوایی عربستان از نگاه انصارالله مجموعه‌ای از حملات پراکنده و غیرقابل پیگیری نیست، بلکه روندی است که جزئیات آن به طور مستمر دنبال می‌شود. این اشراف، امکان شناخت الگوی فعالیت نیروی هوایی سعودی و ثبت مستمر عملیات‌ها را فراهم می‌کند و در کنار توان موشکی و پهپادی، بخشی از ظرفیت نظامی انصارالله را شکل می‌دهد. در مقابل، عربستان و نیروهای همسو با آن نتوانست‌اند در دور جدید درگیری‌ها، دستاوردی همسنگ در زمینه نفوذ به ساختار فرماندهی انصارالله و مختل کردن پشتیبانی جبهه‌های این جنبش به نمایش بگذارند. برخلاف مراحل پیشین جنگ که عملیات‌های ترور و ضربه زدن به چهره‌های نظامی و امنیتی انصارالله بخشی از تلاش‌های طرف مقابل بود، در دور جدید نشانه‌های آشکاری از تکرار همان الگو در



مصر در مسیر تکرار تجربه سودان

تصمیم شورای دفاع ملی مصر به ریاست عبدالفتاح السیسی برای موافقت با اعزام نیروی نظامی به عربستان سعودی، در شرایطی که این کشور با تشدید حملات انصارالله به اهداف راهبردی خود مواجه شده است، بار دیگر مسئله اتکای ریاض به نیروهای نظامی کشورهای دیگر را در کانون توجه قرار داده است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده در 18 اکتبر 2026 نشان می‌دهد شورای دفاع ملی مصر با اعزام نیرو در چارچوب یک ماموریت دفاعی موافقت کرده و قرار است موضوع در پارلمان این کشور نیز بررسی شود. قاهره این اقدام را در چارچوب حمایت از امنیت عربستان مصری می‌کند؛ اما مسئله اصلی این است که آیا ورود نظامیان مصری می‌تواند تغییری تعیین کننده در موازنه میدانی ایجاد کند یا صرفاً هزینه های انسانی و مالی تقابل عربستان با یمن را افزایش خواهد داد؟ تجربه تاریخی مداخلات نظامی در یمن نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش را باید نه در شمار نیروهای اعزامی، بلکه در ماهیت جنگ و محدودیت های راهبردی ائتلاف جست وجو کرد. سابقه حضور نظامیان کشورهای ساحل غربی دریای سرخ در درگیری‌های شبه جزیره عربستان، چندان امیدوارکننده نیست. مصر و سودان، هر یک در دوره‌ای متفاوت، نیروی انسانی و ظرفیت نظامی خود را وارد درگیری‌های شبه جزیره عربی کردند؛ با این حال، هیچ یک از این مداخلات نتوانسته است به تنهایی بر پیچیدگی‌های سیاسی و نظامی یمن غلبه کند. وجه مشترک این تجربه‌ها آن است که برتری در شمار نیروها و برخورداری از پشتیبانی مالی و تسلیحاتی، هنگامی که با شناخت ناکافی از محیط جنگ و برآورد نادرست از توان طرف مقابل همراه باشد، لزوماً به دستاورد راهبردی منجر نمی‌شود. از این منظر، تصمیم اخیر قاهره را باید در امتداد تجربه‌ای تاریخی بررسی کرد که بارها محدودیت اتکای عربستان به نیروی نظامی خارجی را آشکار کرده است.

دور جدید درگیری میان انصارالله و عربستان سعودی تفاوت‌های مهمی با مراحل پیشین جنگ یمن دارد. افزایش حجم آتش انصارالله علیه مواضع سعودی، توانایی این جنبش در مدیریت و فرماندهی پیشروهای زمینی و گسترش دامنه عملیات‌ها، بخشی از این تفاوت‌هاست. با این حال، مهم‌ترین تحول را باید در تغییر موازنه اطلاعاتی و امنیتی میان دو طرف جستجو کرد؛ جایی که انصارالله نتوانسته است تحرکات نظامی طرف مقابل را زیر نظر بگیرد و در مقابل، اردوگاه تحت حمایت عربستان با نشانه‌های آشکاری از فروپاشی امنیتی، نشأت اطلاعات و اختلال در سازوکار فرماندهی و پشتیبانی مواجه شده است. این تحول صرفاً به توانایی شناسایی اهداف و اجرای حملات دقیق محدود نمی‌شود. مجموعه ای از رخدادها، از هدف قرار گرفتن تجمع نیروهای سعودی و انبارهای مهمات تا اعتراضات نیروهای وابسته به دولت مستعفی درباره نشأت اطلاعات و محروم ماندن جبهه ها از تجهیزات، تصویری از یک بحران عمیق تر را ترسیم می‌کند. در یک سوی این میدان، انصارالله قرار دارد که نتوانسته است اطلاعات مربوط به تحرکات دشمن را به ابزار اعمال قدرت نظامی تبدیل کند؛ در سوی دیگر، نیروهایی قرار دارند که با وجود برخورداری از حمایت مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی عربستان، حتی در مدیریت امنیت داخلی و حفاظت از اطلاعات نظامی خود نیز با مشکلات جدی روبه رو هستند.

اعتراضات در اردوگاه سعودی؛ نشانه های یک بحران اطلاعاتی در روزهای اخیر، نشانه‌های این وضعیت در اظهارات و اعتراضات مطرح شده از سوی چهره‌ها و نیروهای وابسته به اردوگاه دولت مستعفی یمن نیز بازتاب یافته است. برای مثال «جمال العواضی» در پیامی درباره نفوذ اطلاعاتی در ساختار نیروهای تحت حمایت عربستان، تصریح کرده است که تحرکات نظامی این نیروها در جبهه های مختلف به گونه‌ای انجام می‌شود که گویی انصارالله پیش از آغاز عملیات از جزئیات آن اطلاع دارد؛ حتی در مواردی پیش از آنکه برخی فرماندهان و مسئولان مرتبط از این اطلاعات مطلع شوند.

اهمیت این اظهارات در آن است که مسئله نفوذ اطلاعاتی دیگر صرفاً موضوعی نیست که از سوی انصارالله یا رسانه‌های نزدیک به آن مطرح شود، بلکه به یکی از نگرانی‌های مطرح شده در داخل اردوگاه مخالفان این جنبش تبدیل شده است. درخواست برای بازنگری در وضعیت نیروهای وابسته به دولت مستعفی نیز از همین منظر قابل توجه است. هنگامی که فعالان و نیروهای نزدیک به یک جبهه، موفقیت‌های نظامی رقیب را با احتمال نشأت اطلاعات از درون ساختار خود توضیح می‌دهند، مسئله از سطح شکست یک عملیات مشخص فراتر می‌رود و به اعتبار سازوکار فرماندهی، حفاظت اطلاعات و هماهنگی میان نیروها مربوط می‌شود. این نگرانی با روند تحولات میدانی نیز ارتباط دارد. در دور جدید جنگ، انصارالله تنها به مقابله با نیروهایی که در خط مقدم با آن درگیر هستند اکتفا نکرده، بلکه تجمعات نظامی، مراکز فرماندهی، مواضع پشتیبانی و مسیرهای انتقال تجهیزات را نیز در معرض حملات خود قرار داده است. چنین الگوی، امکان شکل گیری و سازماندهی عملیات‌های گسترده علیه

آمار عجیب سوخت‌گیری با کارت جایگاه



فرآورده‌های نفتی با اشاره به آمارهایی که ظرف یک ماه گذشته از طرح شناسه دار کردن کارت سوخت اضطراری جایگاه به دست آمده است، گفت: در مهر 1404 میزان استفاده از کارت شخصی 49 درصد و کارت اضطراری 51 درصد بوده است. در مهر 1405 استفاده از کارت شخصی 58 درصد و کارت اضطراری 42 درصد است. ما 20 میلیون کاهش مصرف بنزین را مقایسه با مهر 1404 داشته‌ایم. این عدد 3,4 درصد کاهش را نشان می‌دهد.

کاهش 700 هزار لیتری مصرف بنزین در تهران وی ادامه داد: مهر امسال به طور میانگین روزی 20 میلیون لیتر بنزین در تهران مصرف شده است که سال گذشته این رقم 700 هزار لیتر بیشتر بوده است. از سامانه گزارش دریافت می‌شود که چه تعداد از افراد بیش از 10 بار و یا بیش از 200 لیتر سوخت‌گیری داشته‌اند. ویس کرمی با بیان اینکه در مهر 1405، 51 درصد افراد یکبار از کارت اضطراری استفاده کند یا هر کد ملی هفته‌ای یکبار استفاده کند. 59 میلیون لیتر سوخت از مسیر کارت سوخت اضطراری مصرف شده اما نمی‌دانستیم کجا و توسط چه کسی مصرف شده است. از هموطنان تشکر می‌کنیم که در اجرای این طرح کمک کردند. در تهران این طرح به صورت آزمایشی در حال اجرا است تا ایرادات رفع شود و پس از آن در نقاط دیگر اجرایی شود. وی افزود: در 250 جایگاه تهران همگی یک روزه این طرح اجرا نکردند و به مرور زمان اضافه شدند. نتایج عددی اجرای طرح قابل توجه بوده است.

کاهش 20 میلیون لیتری مصرف بنزین در یکسال / استفاده از کارت سوخت اضطراری 9 درصد کم شد مدیرعامل شرکت ملی پخش

کرامت ویس کرمی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در نشست خبری که در خصوص جزئیات اجرای طرح شناسه دار کردن کارت اضطراری جایگاه سوخت گفت: در سال گذشته هیئت وزیران مصوبه‌ای داشت، 2 آذر ماه و در ابلاغیه این مصوبه اعلام کرد که به منظور لزوم استفاده حداکثری از کارت سوخت شخصی و جلوگیری از افزایش واردات بنزین اضافه شدن نرخ سوم بنزین را اضافه کرد.

تأثیر حدود 20 درصدی نرخ سوم در کاهش استفاده از کارت سوخت جایگاه

وی افزود: پس از این اتفاق 42 درصدی که در آن زمان از کارت شخصی استفاده می‌شد به 25 درصد کاهش یافت. کاهش مصرف بنزین نیز داشتیم. در این مصوبه هیئت وزیران کارگروهی تشکیل شد که به کارگروه ماده 8 شهرت دارد. این کارگروه وظیفه تصمیم‌گیری در خصوص قیمت نرخ‌های بنزین و نگهداری سهمیه را دارد. این کارگروه مشتمل بر سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه‌های نفت، کشور، اقتصاد، شورای اطلاع‌رسانی دولت و وزارت اطلاعات است. اساس مصوبات همین کارگروه نیز طرح شناسه‌دار کردن کارت سوخت جایگاه را اجرایی کردیم.

ویس کرمی با بیان اینکه برای آنکه بتوانیم 59 میلیون لیتر سوختی که در نیمه اول شهریور ماه از کارت سوخت جایگاه استفاده شد را شفاف کنیم طرح شناسه دار کردن سوخت‌گیری با کارت اضطراری جایگاه را براساس اسناد بالادستی اجرایی کردیم، گفت: براساس راهبرد ششم مصوبه هیئت وزیران که به تخصیص هدفمند سوخت به خودروها و موتورسیکلت‌ها از طریق ایجاد امکان شناسه دار کردن هرگونه سوخت‌گیری می‌پردازد. از حدود 360 جایگاه تهران 250 طرح را به صورت آزمایشی مجهز کردیم. وی گفت: برای آنکه شناسایی کنیم، سوخت‌گیری در کجا و توسط چه کسی انجام شده است نیاز به یک زیرساخت جدید وجود داشت. باید یک سامانه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ایجاد می‌کردیم که حتما مجزا از سامانه هوشمند سوخت باشد. این موضوع ناشی از الزامات امنیتی و پدافند غیرعامل بود. برای این موضوع نیاز بود تا بتوانیم بانک اطلاعاتی کلیه افرادی که مالک خودرو هستند و می‌خواهند از مسیر کارت بانکی سوخت‌گیری کنند را جمع‌آوری کنیم. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ادامه داد: این مسئله جدای از طرح مجلس در خصوص انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی است که متولی اجرای آن وزارت اقتصادی است. این موضوع در قانون بودجه 1404 بوده و لازم الاجرا است.

سوخت‌گیری 105 باره از تنها از یک جایگاه با مصرف 2 هزار لیتری وی اظهار کرد: سامانه ایجاد شد و اطلاعاتی که نیاز بود تا از هموطنان داشته باشیم از بانک مرکزی دریافت کردیم. وقتی فردی به جایگاه مراجعه می‌کند باید احراز هویت شود. اولین کمک آن است که مشخص شده یک نفر در تهران اگر 20 لیتر بنزین زده است چه شخصی بوده است. یک فردی در تهران در همین مدت 105 بار بنزین شده و بیش از 2 هزار لیتر بنزین دریافت کرده است.

توقف واردات خودرو و بازی دلالتان؛ جهش قیمت‌ها فقط روی کاغذ است!



- قفل‌شدگی نقدینگی واسطه‌ها: واسطه‌گرانی که با هدف کسب سودهای مقطعی اقدام به اعلام قیمت‌های بالا کرده‌اند، خود با چالش کمبود نقدینگی و نبود مشتری روبه‌رو شده‌اند.

در وضعیتی که مدیریت منابع ارزی برای کشور در صدر اولویت‌ها قرار دارد، شفاف‌سازی و بستن رانته‌ها یا مصارف ثانویه ارزی امری گریزناپذیر بود. تلاش برای القای شوک قیمتی به بازاری که از پایه با بحران تقاضای مصرفی مواجه است، نتیجه‌ای جز تعمیق رکود و افزایش زمان توقف دارایی‌ها برای دلالتان نخواهد داشت.

واقعیت این است که جهش‌های ادعایی اخیر در بازار خودروهای وارداتی بیش از آنکه یک واقعیت اقتصادی باشد، یک هیاهوی بدون خریدار است؛ نمایشی روی کاغذ که تا رسیدن به جیب مصرف‌کننده، فرسنگ‌ها با واقعیت معامله فاصله دارد.

مهم‌ترین حلقه‌ای که دلالتان در محاسبات خود نادیده گرفته‌اند، کشش بازار و توان واقعی نقدینگی خریداران است. در حال حاضر بازار خودروی کشور به دلیل شرایط خاص اقتصادی، نوسانات ارزی و نااطمینانی‌های حاکم، در یکی از عمیق‌ترین دوره‌های رکودی خود به سر می‌برد.

به گفته فعالان صنفی نمایشگاه‌ها، فضای کنونی بازار مطلقاً پذیرای قیمت‌های نجومی و اعلامی جدید نیست: - نبود مشتری دست‌به‌نقد: خریداران واقعی مدت‌هاست خرید خود را به تعویق انداخته‌اند و اندک سرمایه‌گذاران نیز تمایلی به ورود به بازارهای غیرنقدشونده مانند خودرو ندارند.

- اعداد حبابی بدون معامله: قیمت‌هایی که در آگهی‌ها یا فضای مجازی با ارقام نجومی چندصد میلیونی بالاتر اعلام می‌شوند، صرفاً قیمت «پیشنهادی فروشنده» هستند و پای میز معامله هیچ قراردادی با این نرخ‌ها منعقد نمی‌شود.

دفت‌ر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت ایران سرانجام در ابلاغیه‌ای رسمی به مرکز نوآوری، هوشمندسازی و امنیت، توقف افتتاح و ویرایش ثبت‌سفارش‌های واردات خودرو از محل بند «ر» تبصره (1) قانون بودجه سال 1404 را اعلام کرد. این تصمیم در پی دستور ریاست کل این سازمان اتخاذ شده و تنها پرونده‌هایی که پیش از این تأمین ارز شده‌اند آن هم دقیقاً به میزان ارز تخصیص‌یافته و بدون امکان تغییر در مشخصات فنی یا تعدادی، مجوز ادامه مسیر را خواهند داشت.

منطق جنگی اقتصاد؛ چرا ممنوعیت واردات خودروی لوکس لازم بود؟

در این ابلاغیه آمده است: «با توجه به دستور 28 مهرماه ریاست کل سازمان مبنی بر توقف ویرایش ثبت‌سفارش‌های واردات خودرو بند (ر) تبصره (1) قانون بودجه سال 1404، نسبت به توقف افتتاح و ویرایش ثبت‌سفارش‌های خودروهای مذکور از محل بند فوق در سامانه جامع تجارت اقدام مقتضی به عمل آید. ضمناً ثبت‌سفارش‌هایی که دارای تأمین ارز هستند، به اندازه تأمین ارز پرونده بدون تغییر ارزش، تعداد، شناسه و کد تعرفه امکان ادامه فرایند خواهند داشت.»

* فضا سازی‌های قیمتی؛ هیجان کاذب در سایه تصمیمات ارزی

بلافاصله پس از اعلام این بخشنامه، طبق روال همیشگی، کانال‌های غیررسمی و آگهی‌های پلتفرم‌های واسطه‌گری با جهش قیمت‌های اعلامی خودروهای وارداتی مواجه شدند. سناریوی تکراری کمیابی کالا بار دیگر ابزاری شد تا برخی واسطه‌ها و صاحبان خودروهای دپوشده تلاش کنند ترمز کاهش قیمت یا ثبات نسبی بازار را بکشند و با ارسال سیگنال گرانی، موجی از تقاضای هیجانی بسازند.

اما بررسی واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد این فضا سازی‌ها با بن‌بست جدی مواجه است. نخست آنکه بازارباب‌ها و دلالتان تلاش دارند این توقف را غافلگیرکننده جلوه دهند، در حالی که بسته‌شدن این مسیر کاملاً قابل پیش‌بینی و در چارچوب ساماندهی اولویت‌های ارزی کشور بوده است، نکته مهم‌تر آنکه پرونده‌های دارای تأمین ارز مسدود نشده‌اند؛ بنابراین خودروهایی که مراحل مالی آنها به سرانجام رسیده بود، وارد چرخه عرضه خواهند شد و بازار با قطع ناگهانی عرضه مواجه نمی‌شود.

* بازار در قفل رکود؛ افزایش قیمت‌ها فقط روی کاغذ خریدار دارد



اختلاف ۲۵ هزار تومانی کشاورزان با دولت

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران در برنامه «میز اقتصاد» شبکه خبر با موضوع «گندم: از تعیین قیمت تا شیوه خرید از گندم‌کاران»، با اعلام پیشنهاد 85 هزار تومانی برای خرید هر کیلوگرم گندم، از اختلاف با سازمان برنامه و بودجه بر سر نرخ پیشنهادی خبر داد.

اختلاف بر سر قیمت 85 هزار تومانی عطالله هاشمی گفت: بررسی‌های کارشناسی و محاسبات انجام‌شده بر اساس شاخص‌های قانونی، قیمت حدود 85 هزار تومان برای هر کیلوگرم گندم را نشان می‌دهد؛ اما سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی با این محاسبات موافقت نکرده‌اند و پیشنهادهایی در محدوده 60 هزار تومان مطرح کرده‌اند.

وی با انتقاد از طولانی‌شدن جلسات شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی، افزود: اختلاف‌نظرها باعث شده است با وجود برگزاری جلسات متعدد، قیمت خرید تضمینی گندم برای سال زراعی آینده نهایی نشود.

هاشمی تأکید کرد قانون، هزینه تولید به‌علاوه سود متعارف، نرخ تورم، قیمت محصولات مشابه وارداتی و شاخص رابطه مبادله داخل و خارج بخش را مبنای قیمت‌گذاری قرار داده است و تصمیم‌گیری باید بر اساس این شاخص‌ها انجام شود.

تأخیر در اعلام قیمت و نگرانی از کاهش انگیزه کشت مجید آنجفی، معاون امور زراعت وزیر جهاد کشاورزی، نیز با تأیید وجود اختلاف در شورای قیمت‌گذاری گفت: وزارت جهاد کشاورزی بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده از استان‌ها و بررسی‌های کارشناسی، به قیمتی در محدوده بهای تمام‌شده تولید به‌علاوه سود متعارف کشاورز رسیده است و تلاش می‌کند اعضای شورا را برای دستیابی به اجماع قانع کند. وی با بیان اینکه تأخیر در اعلام نرخ می‌تواند بر چرخه تولید اثر بگذارد، افزود: اعلام به‌موقع قیمت به کشاورزان کمک می‌کند درباره نوع کشت تصمیم بگیرند و وزارت جهاد کشاورزی نیز بتواند برای تأمین نهاده‌ها و ارائه خدمات فنی و کارشناسی برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام دهد.

آنجفی در عین حال، ادعای کاهش یک‌درصدی تولید به ازای هر 10 روز تأخیر را تأیید نکرد و گفت گزارش‌های موجود نشان می‌دهد سطح زیر کشت گندم بر اساس الگوی کشت در حال پیشرفت است. رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران نیز هشدار داد از دست رفتن فرصت بارندگی، به‌ویژه در مناطق دیم، می‌تواند بر استقرار و رشد اولیه محصول اثر بگذارد. کمیسیون کشاورزی مجلس: جلسات شورا با تأخیر آغاز شد

هوشنگ هادیان‌پور، سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، گفت: طبق روال قانونی، قیمت خرید تضمینی گندم باید تا پایان تیر اعلام می‌شد، اما نخستین جلسه شورای قیمت‌گذاری با حضور اعضای شورا هفتم مهر برگزار شد و به دلیل غیبت وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، قیمت نهایی نشد. وی افزود: کمیسیون کشاورزی مجلس پیگیر تشکیل جلسات بوده و در آخرین نشست مقرر شده است وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه شخصاً در جلسه بعدی حضور پیدا کنند تا تصمیم‌گیری درباره قیمت نهایی شود.

اختلاف بر سر پرداخت مطالبات گندم‌کاران در بخش دیگری از برنامه، موضوع پرداخت مطالبات خرید تضمینی گندم و اختلاف درباره مبالغ واریزی بررسی شد. آنجفی گفت: بر اساس قیمت مصوب شورا، نرخ خرید گندم با توجه به کیفیت بین 47 هزار و 500 تا 49 هزار و 500 تومان تعیین شده و میانگین قیمت نیز 48 هزار و 500 تومان است؛ همچنین مقرر شده است مبلغ بیمه به این بها اضافه شود. وی با اشاره به اینکه حدود 95 درصد مطالبات کشاورزان بر مبنای قیمت مصوب پرداخت شده است، گفت باقی‌مانده مطالبات باید از طریق فرایندهای مربوط به شرکت بازرگانی دولتی ایران و بانک کشاورزی به حساب کشاورزان واریز شود و طبق اعلام انجام‌شده، این پرداخت‌ها باید در همان هفته تکمیل شود. هاشمی، اما از کسر هزار و 471 تومان به ازای هر کیلوگرم گندم از برخی پرداخت‌ها انتقاد کرد و گفت این موضوع با اعتراض گندم‌کاران روبه‌رو شده است. وی همچنین خواستار شفاف‌سازی درباره نحوه پرداخت مطالبات و مسئولیت دستگاه‌های مرتبط شد.

یارانه نان و قیمت گندم؛ دو موضوع جداجانه معاون امور زراعت وزیر جهاد کشاورزی تأکید کرد بهای خرید گندم، حق کشاورز در قبال محصول تولیدی است و نباید با یارانه آرد و نان یکسان در نظر گرفته شود.



بازگشت مسابقات قرآن به مسجد

زهرآ کشور داور تجوید مسابقات قرآن مدهامتان، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، با اشاره به اهمیت این رقابت‌ها در شناسایی استعدادهای قرآنی گفت: اگر این مسابقات با صداقت، برنامه‌ریزی و نظارت کافی برگزار شود، می‌تواند تأثیر بسیار خوبی در شناسایی ظرفیت‌های قرآنی مساجد داشته باشد؛ چراکه در این صورت، هر مسجد فرصت پیدا می‌کند استعدادهای واقعی خود را معرفی و زمینه رشد و پیشرفت اعضای قرآنی خود را فراهم کند.

وی با تأکید بر ضرورت توجه به اصالت رقابت‌های مسجدمحور افزود: یکی از نکات مهم در برگزاری این مسابقات، حضور واقعی اعضای هر مسجد در رقابت‌هاست. گاهی به دلیل نبود نظارت کافی به جای آنکه تیم‌های متشکل از اعضای فعال هر مسجد در مسابقات شرکت کنند، از میان برترین افراد یک شهر تیم‌هایی تشکیل می‌شود که لزوماً نماینده ظرفیت واقعی آن مسجد نیستند.

کشاورز ادامه داد: اگر قرار است مسابقات قرآن مدهامتان به کشف استعدادهای محلی و تقویت فعالیت‌های قرآنی در مسجد کمک کند، لازم است به این موضوع توجه ویژه‌ای شود تا رقابت‌ها در مسیر اصلی خود قرار بگیرند و فرصت حضور و رشد برای نوجوانان و جوانانی که در مساجد فعالیت می‌کنند، فراهم شود.

داور مسابقات قرآن با اشاره به اهمیت برگزاری رقابت‌های قرآنی در سطح مساجد و محلات، گفت: هرچند در شهر ما در این زمینه رقابت مشخصی وجود ندارد، اما به‌طور کلی، اگر مساجد با صداقت و بر اساس ظرفیت‌های واقعی خود در این رویداد حضور پیدا کنند، مدهامتان می‌تواند برنامه‌ای بسیار ارزشمند باشد.

وی افزود: مسجدی و محلی بودن مسابقات قرآن، این فرصت را ایجاد می‌کند که فعالیت‌های قرآنی تنها به افراد حرفه‌ای و شناخته‌شده محدود نشود، بلکه نوجوانان و جوانانی که علاقمند به قرآن هستند نیز بتوانند در یک فضای دوستانه و معنوی حضور پیدا کنند، توانایی‌های خود را محک بزنند و برای پیشرفت بیشتر انگیزه بگیرند.



زنگ خطر برای تئاتر؛ چه بلایی سر کارگردانان تئاتر آمده است؟

■ اکبر زنجانی‌پور، قطب‌الدین صادقی و حسین کیانی در نشست تخصصی «عصر کارگردان» از موانعی گفتند که فعالیت حرفه‌ای در تئاتر ایران را دشوار کرده است؛ از کمبود سالن و بودجه و ضعف حمایت از گروه‌های مستقل تا غلبه مناسبات تجاری، کم‌رنگ‌شدن جایگاه خلاق کارگردان و فاصله گرفتن بخشی از تولیدات نمایشی از مسائل جامعه. تئاتر ایران در سال‌های اخیر با پرسش‌های متعددی درباره وضعیت تولید، استمرار فعالیت هنرمندان و نسبت خود با جامعه روبه‌رو بوده است؛ پرسش‌هایی که نمی‌توان پاسخ آن‌ها را تنها در عملکرد فردی هنرمندان جست‌وجو کرد. محدودیت امکانات، دشواری تأمین هزینه‌های تولید، نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و تغییر مناسبات اقتصادی و فرهنگی، بخشی از مسائلی هستند که مسیر فعالیت حرفه‌ای کارگردانان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. نشست تخصصی «عصر کارگردان» با موضوع «بررسی دلایل کم‌کاری و کناره‌گیری کارگردانان حرفه‌ای تئاتر در دهه اخیر»، فرصتی برای طرح دوباره این پرسش‌ها بود. در این نشست که به همت کانون کارگردانان خانه تئاتر و با میزبانی دکتر مجید گیاهیچی در سالن استاد جوانمرد خانه تئاتر برگزار شد، اکبر زنجانی‌پور، قطب‌الدین صادقی و حسین کیانی از زاویه‌های مختلف به وضعیت کارگردانی در ایران پرداختند؛ از دشواری‌های ساختاری تولید و اجرا تا ضرورت بازگشت تئاتر به زندگی مردم و حفظ استقلال هنری آن در ابتدای این مراسم، اسماعیل خلیج ضمن خوشامدگویی به حاضران، گروه‌هایی کارگردانان تئاتر را اتفاقی مثبت دانست. در ادامه، سه سخنران اصلی نشست، هر یک با تکیه بر تجربه‌های حرفه‌ای خود، تصویری از موانع فعالیت در تئاتر ایران ارائه کردند؛ تصویری که در آن، مشکلات اقتصادی و مدیریتی در کنار پرسش‌هایی درباره ماهیت و کارکرد اجتماعی این هنر قرار می‌گرفت. اکبر زنجانی‌پور، کارگردان و بازیگر پیشکسوت تئاتر، سخنان خود را با انتقاد از شرایط موجود آغاز کرد؛ شرایطی که به اعتقاد او، با ظرفیت‌ها و جایگاه واقعی تئاتر تناسب ندارد. او با اشاره به بیش از شش دهه فعالیت در این عرصه، از فاصله میان انتظاراتش در آغاز مسیر و نتیجه‌ای که امروز با آن مواجه است، سخن گفت: زنجانی‌پور در این‌باره اظهار کرد: «من بعد از 60 سال کار کردن، به این نتیجه رسیدم که انگار اشتباه کردم؛ چون نتیجه‌ای را که انتظار داشتم، نمی‌بینم.» این سخنان، مقدمه‌ای برای طرح یکی از دغدغه‌های اصلی او بود؛ اینکه تئاتر تا چه اندازه توانسته است جایگاه خود را در زندگی فرهنگی مردم پیدا کند. از نگاه زنجانی‌پور، تئاتر نباید صرفاً به محلی برای دیدم‌شدن هنرمندان، کسب شهرت یا فروش بلیت محدود شود، بلکه باید به بخشی از زیست فرهنگی جامعه تبدیل شود؛ هنری که مردم آن را نیاز خود بدانند و با اشتیاق برای تماشای آن به سالن‌ها بروند. او تئاتر را فضایی برای مواجهه انسان با خود، دیگران، طبیعت و جهان پیرامون می‌داند؛ تجربه‌ای که می‌تواند به پالایش روحی هنرمند و مخاطب کمک کند. بر همین اساس، پیوند دوباره تئاتر با زندگی مردم، از نظر او نه موضوعی حاشیه‌ای، بلکه ضرورتی برای ادامه حیات این هنر است؛ زنجانی‌پور در ادامه، بر ضرورت آموزش تئاتر به کودکان و نوجوانان تأکید کرد. به باور او، اگر قرار

رضا پردل: سینمای کوتاه از فیلم بلند و سریال جلوزده است



است این کودک برای مدتی مادرش را به‌طور کامل نبیند؛ هرچند در فیلم قرار بود خیلی زودتر به این موضوع بپردازیم. برای اینکه چرخ‌دنده‌های داستان بهتر بچرخد و شخصیت بتواند با ترسناک‌ترین ترس‌هایش روبه‌رو شود، ترجیح دادم او را در شرایطی قرار دهم که برایش ساختار، نه اینکه صرفاً به واقعیت و خاطرات شخصی خود پایبند بمانم. به‌رذل درباره قصه فیلم گفت: داستان درباره پسرچهای اسن که درست مثل آدمی تشنه در کویر، به مادرش نیاز دارد و چند ماه است او را ندیده، او از مدرسه فرار می‌کند و به سراغ مادرش می‌رود تا او را ببیند و کنارش باشد. این موقعیت را به تصویر کشیدم، چون دوست داشتم فیلم حس داشته باشد. این چیزی است که به آن اعتقاد دارم و بخشی از شیوه فیلم‌سازی من است. وی ادامه داد: برای اینکه عطف کودک را دراماتیک کنیم، لازم بود مادرش را در آغوش بگیرد، او را بو کند و میان آن دو کشش و تعامل شکل بگیرد. در فیلم هم به این موضوع اشاره می‌کنم که این احساس یک‌طرفه نیست و مادر هم چنین حسی دارد. این فیلم‌ساز درباره شخصیت مادر نیز توضیح داد: مادر، با وجود مشکلات درونی و بیرونی‌اش، دلش برای بچه‌اش تنگ شده، اما این احساس را بروز نمی‌دهد. او مثل کودک نیست؛ بچه نمی‌تواند نقابش را حفظ کند و در نهایت احساسش را نشان می‌دهد، اما مادر تا انتهای فیلم نقابش را نگه می‌دارد. وقتی بچه دستش را دراز می‌کند، نقاب مادر فرو می‌ریزد و او را در آغوش می‌کشد. پردل در ادامه درباره استفاده از فضای فانتزی در آثارش گفت: من آثار فریود را زیاد مطالعه می‌کنم، او معتقد است وقتی انسان از چیزی که اشتیاق زیادی به آن دارد محروم می‌شود، به فانتزی و رؤیاپردازی روی می‌آورد. من هم بیشتر سعی می‌کنم آن نقطه‌ای را به تصویر بکشم که انسان‌ها در آن دچار چنین وضعیتی می‌شوند؛ چون خودم هم این‌گونه‌ام و ممکن است درباره زندگی عادی‌مان، رؤیا‌هایی روزانه و شبانه زیادی ببینم.



با گروه‌های نمایشی وارد تعامل شوند و زمینه فعالیت حرفه‌ای آن‌ها را فراهم کنند. این شیوه، علاوه بر ایجاد ثبات در فرایند تولید، امکان ارتباط مؤثرتر میان هنرمندان، نهادهای حمایتی و مخاطبان را نیز افزایش می‌دهد.

مشکل فقط به بروز نشدن هنرمندان مربوط نیست زنجانی‌پور در ادامه تأکید کرد که نمی‌توان مسائل تئاتر را صرفاً به ضرورت بروز نشدن هنرمندان یا ارتقای دانش حرفه‌ای آن‌ها تقلیل داد. از نگاه او، حتی هنرمندانی که از آگاهی و دانش روز برخوردارند، ممکن است در نبود امکانات و سازوکارهای مناسب، امکان فعالیت نداشته باشند، او حل این مشکلات را در گرو بازیگری در شیوه مدیریت سازوکارهای حمایت از تولید و ساختار فعالیت گروه‌های نمایشی دانست؛ تغییری که بتواند تجربه و استعداد هنرمندان را به فرصت واقعی برای تولید و اجرا تبدیل کند؛ زنجانی‌پور در پایان سخنانش بار دیگر بر ضرورت بازگشت به ماهیت انسانی و اجتماعی تئاتر تأکید کرد؛ مسیری که از نظر او، با تقویت فعالیت جمعی، ایجاد ارتباط پایدار میان هنرمندان و مخاطبان و فراهم‌کردن امکان کار مستمر برای گروه‌های حرفه‌ای هموار می‌شود. قطب‌الدین صادقی، کارگردان و پژوهشگر تئاتر، در بخش دیگری از نشست، کم‌کاری و کناره‌گیری کارگردانان حرفه‌ای را مسئله‌ای فراتر از عملکرد فردی آن‌ها دانست. از نگاه او، کمبود بودجه، ضعف زیرساخت‌های اجرایی، نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و مشکلات ساختاری، از مهم‌ترین موانعی هستند که استمرار فعالیت حرفه‌ای در تئاتر ایران را دشوار کرده‌اند.



روایت پیرمرد ۷۹ ساله ژاپنی از عشق به خیام

ژاپن کشوری در اقیانوس آرام در آسیای شرقی است که یکی از قدرت‌های اصلی اقتصادی جهان و سومین اقتصاد بزرگ جهان از نظر تولید ناخالص داخلی به‌شمار می‌رود. ژاپن با جمعیتی در حدود 126 میلیون نفر، یازدهمین کشور پرجمعیت جهان است. توکیو، پایتخت ژاپن با بالغ بر 13 میلیون نفر جمعیت، از بزرگ‌ترین و گران‌ترین پایتخت‌های جهان محسوب می‌شود. سابقه روابط فرهنگی بین ایران و ژاپن به بیش از هزار و چندصد سال پیش برمی‌گردد. ایران و ژاپن از مسیر جاده ابریشم با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند و موضوعات مختلفی از سمت شرق و ایران به ژاپن منتقل شده است. سند زنده این پیوند نیز در خزانه چوبی متعلق به قرن هشتم در مکانی به نام «شوسوین» در شهر نارا ژاپن، در کنار معبد «تودایجی» نگهداری می‌شود؛ در آنجا آثاری از ایران و سایر کشورها از جمله پارچه‌های ابریشمی با نقش‌مایه‌های الهام‌گرفته از هنر ساسانی وجود دارد. سند قطعی و نابی در حوزه زبان فارسی نیز در دسترس است که به «دست‌نوشته‌های پارسی ژاپن» شهرت دارد. این دست‌نوشته فیزیکی به سال 1217 میلادی مربوط می‌شود. یک راهب ژاپنی این دست‌نوشته را در بندر گوانگژو چین از ملاحان ایرانی دریافت کرده است؛ در واقع، یک دربان‌رود ایرانی ایبانی را به خط فارسی برای راهب ژاپنی می‌نویسد و او این دست‌نوشته را به ژاپن می‌آورد. این سند مشتمل بر سه قطعه است که قطعه اول از منظومه «ویس و رامین»، قطعه دوم از شاهنامه و قطعه سوم از «جوامع‌التواریخ» است؛ این موضوع نشان می‌دهد شعر فارسی تا چه حد در میان مردم ایران، به‌ویژه دریانوردان، جریان داشته است و این اثر یکی از مهم‌ترین دست‌نوشته‌های خطی فارسی در ژاپن به‌شمار می‌رود؛ ژاپن از معبود کشورهای آسیای شرقی است که سابقه ساختارمند و دیرپایی در آموزش زبان فارسی دارد. آموزش زبان فارسی به صورت رسمی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در «دانشگاه مطالعات خارجی توکیو» در شهر توکیو و «دانشگاه اوساکا» در شهر اوساکا برگزار می‌شود. گروه مطالعات ایران اوساکا قدیمی‌ترین برنامه آموزش رسمی ژاپن را دارد و تا سال 1961 در این زمینه فعالیت می‌کند و هر سال بین 15 تا 20 دانشجوی جدید در مقاطع مختلف می‌پذیرد. گروه مطالعات ایران دانشگاه توکیو نیز از سال 1980 تأسیس شده و سالانه در همین حدود دانشجوی جذب می‌کند. دانشگاه توکیو که با دانشگاه مطالعات خارجی توکیو متفاوت است به همراه دانشگاه‌های کیوتو، ناگويا، هوکایدو و سندای نیز پیشینه دیرینه‌ای در مطالعات ایرانی دارند؛ هرچند فاقد گروه مستقل فارسی هستند. دانشگاه سوفا نیز زبان فارسی را در کنار بیش از 20 زبان دیگر در برنامه آموزشی خود گنجانده است. بین شاعران ایرانی، خیام بیشترین محبوبیت را در ژاپن دارد؛ کتاب‌های بسیاری از اشعار خیام به زبان ژاپنی منتشر شده و بسیاری از ژاپنی‌ها یا او آشنا هستند. با این حال، تعداد ژاپنی‌هایی که به زبان فارسی آشنا باشند و بتوانند به این زبان صحبت کنند، اندک است؛ با این وجود، فارسی‌آموزان ژاپنی حضوری فعال در دوره‌های زبان‌آموزی بنیاد سعدی داشته‌اند. یکی از این فارسی‌آموزان، «توشی‌ئوشیما» پیرمرد 79 ساله ژاپنی است که از جوانی با زبان فارسی آشناس‌ت و سال‌ها در ایران زندگی کرده است. او که حالا استاد بازنشسته دانشگاه توکیو است، علاقه‌ای وافر به شعر فارسی، به‌ویژه اشعار خیام دارد؛ این علاقه تا آن اندازه است که او اکنون در ایام بازنشستگی، وقت خود را صرف تحریر اشعار خیام و حافظ به خط نستعلیق می‌کند.

* آقای شیما! چه شد با ایران و زبان فارسی آشنا شدید؟ سال‌ها پیش در ایام جوانی در دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا در رشته زبان فارسی درس خواندم؛ پس از اتمام تحصیل در یک شرکت مهندسی مشغول به فعالیت شدم و به‌عنوان مترجم از طرف شرکت به ایران فرستاده شدم. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، من به مدت 8 سال در ایران زندگی کردم. در شهرهای تهران و رشت و در پروژه‌های سازسازی و کاتال‌سازی شرکت، نقش مترجم را ایفا کردم؛ در مدت حضورم در ایران، با زبان فارسی خیلی بیشتر آشنا شدم و پس از انقلاب که شرکت دیگر در ایران فعالیت نداشت، من نیز ناچار شدم به ژاپن بازگردم. اما این آخرین سفر من به ایران نبود؛ پس از انقلاب نیز چندین بار به ایران سفر کردم؛ یکبار در بجنوبه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود و آخرین بار نیز 15 سال پیش به این کشور سفر کردم. اکنون هم در ناگويا زندگی می‌کنم * چرا در دانشگاه سراغ رشته زبان و ادبیات فارسی رفتید؟ من علاقه بسیاری به تاریخ دارم. خب، ایران نیز کشوری قدرتمند با تاریخ طولانی و کهن است؛ بنابراین بسیار علاقه‌مند به تاریخ ایران بودم و به‌ویژه تاریخ دوره‌های صفویه و ساسانی برایم بسیار جالب‌توجه و جذاب بود؛ از همین رو جذب زبان فارسی شدم. وقتی در ژاپن زبان فارسی خواندم، فهمیدم که چقدر این زبان شیرین است، اما معنای واقعی این شیرینی را زمانی چشیدم که برای نخستین بار شعرهای حافظ و خیام را از رادیو در ایران شنیدم. آن زمان برنامه‌ای به نام «گل‌های رنگارنگ» بخش‌هایی از شعرهای حافظ و خیام را پخش می‌کرد. وقتی من نخستین بار این شعرها را شنیدم، حالی وصف‌ناشدنی داشتم؛ البته چندان معنای شعر را نمی‌فهمیدم، اما موسیقی کلامش من را به خود جذب کرده بود. زمانی که برای نخستین بار به ایران آمدم، مجرد بودم، اما دو سال بعد به ژاپن بازگشتم و ازدواج کردم.



ایران چگونه حق ۷۷۱ بیمار پروانه‌ای را از آمریکا گرفت؟



نیاز این بیماران در کشورهای دیگر، از جمله سوئد، تولید می‌شوند. محدودیت‌های مالی و تجاری ناشی از تحریم‌ها نیز تأمین این اقلام را با موانعی مواجه کرده بود. به همین دلیل، بیماران پروانه‌ای با پیگیری حقوقی، خواستار پاسخ‌گویی در قبال خسارت‌هایی شدند که به دلیل محدودیت دسترسی به تجهیزات درمانی متحمل شده بودند. در این پرونده، مسئله اصلی صرفاً اختلافی اقتصادی نبود بلکه حق دسترسی به سلامت و درمان و پیامدهای محدودیت‌های اعمال‌شده بر زندگی بیماران در کانون رسیدگی قرار داشت. صدور حکم و پرداخت غرامت نیز در همین چارچوب، به‌عنوان تلاشی برای جبران بخشی از خسارت‌های وارده انجام شد.

771 شاکی از میان هزار و 250 بیمار پروانه‌ای کشور در زمان پیگیری این پرونده، حدود هزار و 250 بیمار پروانه‌ای در کشور شناسایی شده بودند که 771 نفر از آنان با تفویض وکالت به خانه ای‌بی و وکیل دادگستری، شکایت خود را علیه دولت آمریکا دنبال کردند.با وجود پرداخت غرامت، نیازهای درمانی این بیماران همچنان ادامه دارد. تأمین مستمر پانسمان‌های تخصصی، دسترسی به خدمات مراقبتی و کاهش وابستگی به منابع خارجی از جمله مسائلی است که برای بهبود شرایط زندگی آنان اهمیت دارد. توسعه تولید داخلی تجهیزات پزشکی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان نیز می‌تواند در کاهش مشکلات تأمین این اقلام مؤثر باشد.

پرونده بیماران تالاسمی؛ ادامه مسیر دادخواهی

تحریم‌های آمریکا سال‌ها دسترسی بیماران پروانه‌ای به پانسمان‌های تخصصی و اقلام درمانی را با دشواری مواجه کرد؛ اما دادخواهی 771 نفر از این بیماران در دادگاه‌های ایران به صدور حکم قطعی علیه دولت آمریکا و جبران خسارت آنان انجامید. در جریان اجرای این حکم، یک محموله نفتی متعلق به آمریکا توقیف و فروخته شد و عواید حاصل از آن برای پرداخت غرامت به بیماران اختصاص یافت به‌طوری‌که هر یک از شاکیان مشمول پرونده، 2 میلیارد تومان دریافت کردند.

پرونده دادخواهی بیماران پروانه‌ای یکی از نمونه‌های پیگیری حقوقی خسارت‌های ناشی از تحریم‌های آمریکا در دستگاه قضائی ایران است پرونده‌ای که در آن، محرومیت از دسترسی به تجهیزات درمانی تخصصی به موضوع یک دعوای حقوقی تبدیل شد و سرانجام با صدور حکم قطعی و اجرای آن، مطالبه بیماران به دریافت غرامت انجامید.

این پرونده با پیگیری نهاد مردمی خانه ای‌بی و مشارکت 771 بیمار پروانه‌ای علیه دولت آمریکا و مسئولان این کشور تشکیل شد. خواسته شاکیان، جبران خسارت‌های مادی، معنوی و تنبیهی ناشی از تحریم‌هایی بود که دسترسی آنان به پانسمان‌های ویژه و اقلام دارویی مورد نیاز را مختل کرده بود.

از دادخواهی تا دریافت غرامت؛ مسیر احقاق حق بیماران رسیدگی به این پرونده با بررسی مستندات مربوط به آثار تحریم‌ها بر وضعیت درمانی بیماران همراه بود. در جریان دادرسی، اسناد و مدارک مختلفی از مراجع داخلی و بین‌المللی، پزشکی قانونی و نهادهای مردم‌نهاد جمع‌آوری شد تا ابعاد محرومیت بیماران از تجهیزات درمانی و نقش محدودیت‌های اعمال‌شده در این وضعیت مشخص شود. نتیجه رسیدگی‌ها در دادنامه‌ای مستدل و بیش از 100 صفحه‌ای منعکس شد که بر اساس آن، دادگاه اقدامات مورد رسیدگی دولت آمریکا را ناقض حقوق بیماران تشخیص داد و حکم جبران خسارت صادر کرد. پس از قطعیت رأی و طی تشریفات قانونی، اجرای حکم در دستور کار قرار گرفت.در مرحله اجرا، یک نفتکش در خلیج فارس توقیف شد. پس از احراز تعلق محموله نفتی آن به دولت آمریکا، نفت محموله مطابق مقررات قانونی تخلیه و فروخته شد و عواید حاصل از فروش به حساب قوه قضاییه واریز شد.سپس دستور توزیع وجوه میان بیماران صادر شد و خانه ای‌بی مسئولیت پرداخت مبالغ را تحت نظارت دستگاه قضایی و ضابطان بر عهده گرفت. در نهایت، به هر یک از 771 بیمار حاضر در پرونده، مبلغ 2 میلیارد تومان غرامت پرداخت شد؛ اقدامی که پرونده را از مرحله مطالبه حقوق و صدور حکم به جبران مالی خسارت‌های وارده‌شده رساند.

چرا بیماران پروانه‌ای از آمریکا شکایت کردند؟

بیماران پروانه‌ای به دلیل آسیب‌پذیری پوست، برای کنترل زخم‌ها و جلوگیری از تشدید آسیب‌های پوستی به پانسمان‌های تخصصی و مراقبت‌های مستمر نیاز دارند. دسترسی به این تجهیزات، بخشی ضروری از روند درمان و زندگی روزمره آنان است و اختلال در تأمین آن‌ها می‌تواند شرایط بیماری را دشوارتر کند.برخی از پانسمان‌های مورد



چگونه دیتاست‌های آمریکا در خلیج فارس ذوب می‌شوند؟

■ ائتلاف سنتی ایالات متحده آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس (شامل امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر، بحرین و کویت) که دهه‌ها بر پایه مبادله انرژی در برابر تسلیحات متعارف و چتر امنیتی استوار بود، سال‌هاست که به‌سمت یک همکاری عمیق فناوریانه تغییر مسیر داده است،این همکاری جدید بر پایه استقرار زیرساخت‌های فیزیکی کلان، سیستم‌های فرماندهی و کنترل شبکه‌محور (C4ISR)، شبکه‌های پردازشی هوش مصنوعی (AI)، حسگرهای خودمختار و معماری‌های ارتباطی زیردریایی بنا شده است.ایالات متحده با درک این موضوع که برتری در نبردهای آینده در سرعت پردازش داده‌ها، آگاهی از دامنه (Domain Awareness) و تصمیم‌گیری الگوریتمی نهفته است، در حال استقرار پیشرفته‌ترین دارایی‌های تکنولوژیک خود در کشورهای شریک است.این انتقال تکنولوژی با هدف ایجاد یک سیستم «دفاع فدرال» و بازدارندگی چندادمنه‌ای در برابر قدرت‌های منطقه‌ای صورت می‌گیرد، با وجود این، این تمرکز بی‌سابقه بر دارایی‌های سایبری ــ فیزیکی، معادلات آسیب‌پذیری را نیز دگرگون ساخته است.زیرساخت‌های متمرکز اطلاعاتی، شبکه‌های راداری ثابت و مراکز داده عظیم، در برابر تهدیدات نامتقارن، حملات ترکیبی و قابلیت‌های موشکی و پهپادی بازیگرانی نظیر جمهوری اسلامی ایران، به شدت شکننده و آسیب‌پذیر هستند.

زیرساخت‌های کلان پردازشی، ابررایانه‌ها و اکوسیستم هوش مصنوعی شاید بازترین وجه تمایز نسل جدید دارایی‌های مشترک آمریکا و کشورهای خلیج فارس، توسعه بی‌سابقه زیرساخت‌های پردازشی هوش مصنوعی و مراکز داده ایبری باشد. این پروژه‌ها به‌شدت ملموس، فیزیکی‌ال و دارای ابعاد استراتژیک هستند، زیرا تأمین‌کننده قدرت پردازشی (Compute) برای تحلیل داده‌های نظامی، اقتصادی و امنیتی منطقه محسوب می‌شوند.ایالات متحده به‌منظور حفظ هژمونی فناوریانه خود و جلوگیری از نفوذ چین در زیرساخت‌های حیاتی خاورمیانه، ابتکار دیپلماتیک ــ تکنولوژیک جدیدی را تحت عنوان «Pax Silica» پایه‌گذاری کرده است.این پیمان که قطر و امارات متحده عربی از جمله امضاکنندگان اصلی آن هستند، فراتر از یک تفاهم‌نامه تجاری است و به عنوان یک بلوک امنیتی ــ اقتصادی برای کنترل زنجیره تأمین نیمه‌هادی‌ها، مواد معدنی حیاتی و زیرساخت‌های هوش مصنوعی عمل می‌کند. پیوستن کشورهایی نظیر ایتالیا و فیلیپین به این پیمان نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای ایجاد یک زنجیره تأمین جهانی و غیرقابل نفوذ است.

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ، به‌عنوان پیامد مستقیم این پیمان، وزارت بازرگانی ایالات متحده (دقتر صنعت و امنیت ــ BIS) وضعیت کنترل صادرات به امارات متحده عربی را در چارچوب Export Administration Regulations (EAR) ارتقا داد.این ارتقای وضعیت، مجوز صادرات پیشرفته‌ترین تراشه‌های

پرونده بیماران پروانه‌ای تنها نمونه از پیگیری حقوقی خسارت‌های ناشی از تحریم‌ها نیست. پس از این پرونده، مطالبات بیماران تالاسمی و دیگر بیمارانی که علیه تحریم‌های آمریکا دادخواست داده‌اند نیز در مسیر پیگیری قضایی قرار گرفت تا امکان جبران خسارت‌های واردشده به آنان بررسی شود.در همین خصوص ناصر عتبائی رئیس کل دادگستری استان تهران امروز گفت: رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با بیماران و آسیب‌دیدگان به این پرونده محدود نمی‌شود و پرونده‌های متعدد دیگری نیز در دستگاه قضایی در دست بررسی و اقدام قرار دارند. نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران پرونده‌های مختلف و متعددی را با جدیت در دست بررسی و اقدام دارد. آنچه در آینده پیگیری خواهد شد پرونده بیماران MPS است که به همین منوال و با همین روندی که اشاره شد، جبران خسارت آنان دنبال خواهد شد.تجربه این پرونده نشان داد که مطالبه حقوق بیماران می‌تواند از مسیر دادخواهی و پیگیری اجرای احکام دنبال شود و در صورت صدور حکم و فراهم شدن مقدمات قانونی، به جبران مالی خسارت‌ها برسد. توقیف و فروش محموله نفتی متعلق به آمریکا و پرداخت غرامت به 771 بیمار پروانه‌ای، بخش اجرایی این فرایند بود.در مجموع، پرونده بیماران پروانه‌ای نمونه‌ای از تلاش برای احقاق حقوق افرادی است که محدودیت دسترسی به تجهیزات درمانی، زندگی و سلامت آنان را تحت تأثیر قرار داده بود. دریافت غرامت 2 میلیارد تومانی از سوی هر یک از 771 شاکی، نتیجه پیگیری قضایی این گروه بود؛ هرچند جبران مالی خسارت‌های گذشته، جایگزین ضرورت تأمین پایدار دارو و تجهیزات تخصصی و حمایت مستمر از این بیماران نخواهد شد.



قارچ مقدس و ملوان زبل

■ مواد محرک و روان‌گردان از جمله موادی هستند که با تأثیر بر سیستم عصبی، می‌توانند تغییراتی در ادراک، خلق‌وخو، رفتار و عملکرد روزمره افراد ایجاد کنند. برخی از این مواد با نام‌ها و شکل‌های ظاهری متفاوت عرضه می‌شوند و ممکن است در قالب پودر، کریستال یا حتی محصولات شبیه خوراکی‌های معمولی در دسترس قرار گیرند؛ موضوعی که شناسایی آن‌ها را دشوار می‌کند. آنچه مصرف این مواد را نگران‌کننده می‌کند، صرفاً احساس سرخوشی یا افزایش انرژی در کوتاه‌مدت نیست، بلکه پیامدهای جسمی و روانی آن‌هاست؛ عوارضی که بسته به نوع ماده، میزان مصرف، ترکیبات موجود و شرایط جسمی و روانی فرد می‌تواند از اختلال در تمرکز و حافظه تا توهم، تشنج و رفتارهای آسیب‌زا متغیر باشد.

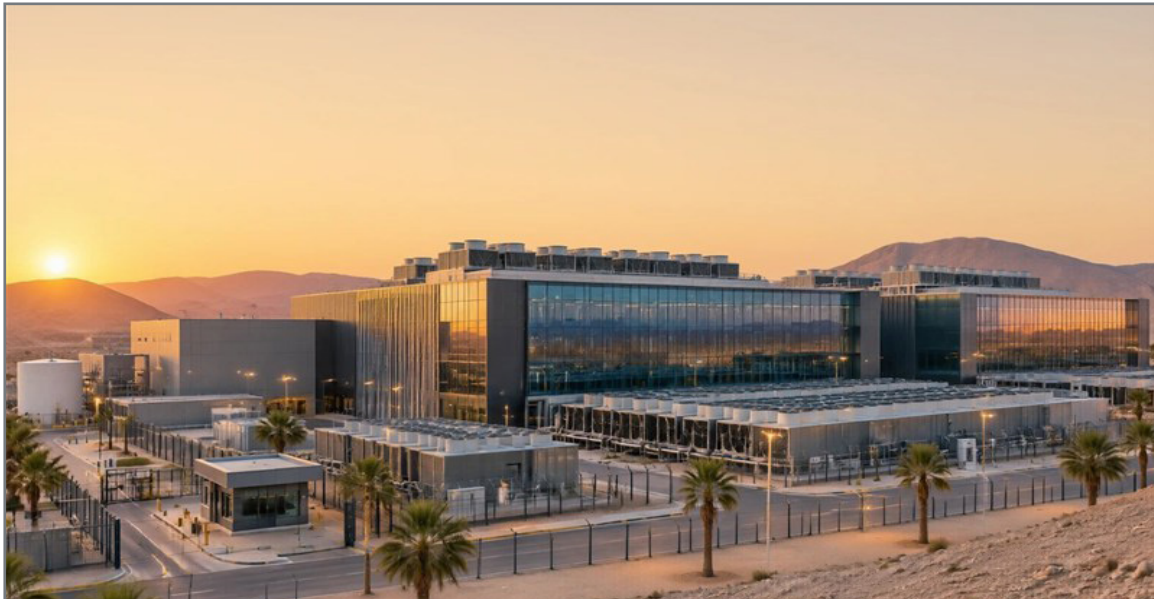
ال‌اس‌دی: ماده‌ای با توهم‌های شدید بینایی و شنوایی ال‌اس‌دی (LSD) از مواد روان‌گردانی است که می‌تواند ادراک فرد از محیط پیرامون را به‌شدت تغییر دهد. این ماده ممکن است به شکل قرص یا کاغذ آغشته به ماده عرضه شود و مصرف آن با تجربه‌های غیرواقعی و تغییر در درک حواس همراه باشد. از جمله پیامدهای مصرف ال‌اس‌دی می‌توان به احساس سبکی و بی‌وزنی و بروز توهم‌های شدید بینایی و شنوایی اشاره کرد. در چنین شرایطی، فرد ممکن است تصاویر، صداها یا صحنه‌هایی را تجربه کند که با واقعیت بیرونی مطابقت ندارند.شدت این تغییرات ادراکی می‌تواند قضاوت فرد درباره محیط و موقعیت‌های خطرناک را مختل کند و احتمال بروز رفتارهای آسیب‌زا را افزایش دهد. به همین دلیل، مصرف این ماده می‌تواند خطراتی جدی برای سلامت فرد به همراه داشته باشد.

«ملوان زبل»: محرکی با شکل عرضه متفاوت برخی مواد روان‌گردان و محرک با نام‌های غیررسمی و شکل‌های ظاهری متفاوت عرضه می‌شوند. یکی از نام‌هایی که در این زمینه مطرح شده، «ملوان زبل» است؛ ماده‌ای که ممکن است در قالب آدامس، پاستیل یا پودر معرفی شود.گرفتگی عضلات و تغییرات محسوس فشار خون از جمله عوارضی هستند که برای این ماده گزارش شده‌اند. با این حال، نام‌های خیابانی و ظاهر محصولات برای شناسایی ترکیب شیمیایی آن‌ها کافی نیستند و ممکن است مواد متفاوتی با نامی مشابه عرضه شوند.بنابراین، نمی‌توان صرفاً بر اساس شکل ظاهری یک محصول درباره ترکیبات آن قضاوت کرد؛ به‌ویژه زمانی که محصول با عنوان خوراکی یا خوشبوکننده دهان در اختیار افراد قرار می‌گیرد.

«قارچ مقدس»: خطر توهم و اختلال در ادراک برخی مواد روان‌گردان به دلیل شکل عرضه یا نام‌های غیرمتعارف، ممکن است به‌سادگی قابل شناسایی نباشند. «قارچ مقدس» از جمله نام‌هایی است که برای یک ماده روان‌گردان مطرح شده است.مصرف مواد توهم‌زا می‌تواند درک فرد از محیط، تصاویر و صداها را تغییر دهد و باعث بروز توهم‌های شدید شود. در چنین وضعیتی، فرد ممکن است به محرک‌های غیرواقعی واکنش نشان دهد یا در تشخیص واقعیت از توهم دچار مشکل شود. این تغییرات می‌توانند توانایی تصمیم‌گیری و ارزیابی خطر را مختل کنند و فرد را در معرض موقعیت‌های آسیب‌زا قرار دهند. ازاین‌رو، مصرف مواد ناشناخته با ظاهر یا نام غیرمعمول، خطراتی فراتر از اثرات کوتاه‌مدت آن‌ها به همراه دارد.

شیشه؛ محرکی که به شکل‌های مختلف مصرف می‌شود شیشه یکی از مواد محرک صنعتی است که به شکل بلورهای خردشده یا پودر دیده می‌شود. این ماده ممکن است ظاهری شبیه خرده‌شیشه داشته باشد، اما شکل ظاهری آن به‌تنهایی برای شناسایی قطعی کافی نیست.شیشه می‌تواند به روش‌های مختلفی مصرف شود و آثار آن بر سیستم عصبی و رفتار فرد، بسته به میزان مصرف و شرایط جسمی او متفاوت باشد. مصرف این ماده ممکن است با تغییرات شدید در خلق‌وخو، اختلال خواب، اضطراب، بدبینی و بروز رفتارهای تکانشی همراه شود.تداوم مصرف نیز می‌تواند مشکلات جدی‌تری در سلامت روان و عملکرد روزمره ایجاد کند. اختلال در قضاوت، افزایش تحریک‌پذیری و بروز توهم از جمله پیامدهایی هستند که می‌توانند روابط اجتماعی و توانایی فرد برای انجام فعالیت‌های معمول زندگی را تحت تأثیر قرار دهند.

ماری‌جوانا؛ از اختلال حافظه تا اضطراب ماری‌جوانا از بخش‌های خشک‌شده گیاه کانابیس تهیه می‌شود و مصرف آن می‌تواند بر حافظه، ادراک، هماهنگی حرکتی و وضعیت روانی فرد اثر بگذارد.



مدل‌های زبانی قدرتمندی نظیر 30B-Jais و Med42 را آموزش داده است و به عنوان یک زیرساخت پردازشی دوگانه (نظامی ــ غیرنظامی) می‌تواند داده‌های حجیم اطلاعاتی را در کسری از ثانیه پردازش کند.

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ،

از چپ به راست: برد اسمیت، نایب‌رئیس و رئیس مایکروسافت؛ شیخ طحنون بن زاید آل‌نهیان، رئیس هیئتمدیره G42؛ پنگ شیاو، مدیرعامل گروه G42همتراز با امارات، عربستان سعودی نیز در حال توسعه زیرساخت‌های عظیم فیزیکی است. شرکت مایکروسافت متعهد به سرمایه‌گذاری 10 میلیارد دلاری در کشورهای عربستان سعودی، امارات، قطر و کویت تا سال 2030 برای ساخت زیرساخت‌های ایبری و سایبری شده است.در عربستان، ابرپروژه «HUMAIN» با اتکا به پردازنده‌های گرافیکی انویدیا (Nvidia) و زیرساخت‌های ایبری آمازون (AWS) در حال اجراست. قرار است در این پروژه بیش از 600 هزار واحد پردازش گرافیکی از جمله پیشرفته‌ترین سیستم‌های GB300 NVL72 نصب و رانندازی شود.این حجم از تراکم پردازشی، عربستان را به یکی از متراکم‌ترین پایگاه‌های داده هوش مصنوعی در جهان تبدیل می‌کند که مستقیماً در تحلیل داده‌های استراتژیک، شبیه‌سازی‌های نظامی و مدیریت شهرهای هوشمند کاربرد دارد.

آموزش مدل‌های حاکمیتی (Jais)، پردازش اطلاعات دفاعی، بهینه‌سازی زنجیره تأمینایجاد زیرساخت هوش مصنوعی بومی، مدیریت داده‌های کلان، شبیه‌سازی دفاعیتکیب قدرت پردازشی با کاربردهای مستقیم نظامی، منجر به ایجاد «نیروی ویژه تالون سیناپس» کاربردهای استراتژیک

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ،

ابرایانه پایه در این شبکه (I-CG) دارای ویژگی‌های فیزیکی و پردازشی خیره‌کننده‌ای است. این سیستم از 64 سیستم 2- CS (و در نسل‌های بعدی 3- CS) تشکیل شده که مجموعاً 54 میلیون هسته بهینه‌سازی‌شده برای هوش مصنوعی، 82 ترابایت حافظه و 72,704 هسته پردازشی AMD EPYC Gen 3 را در خود جای داده است، توان پردازشی این ابررایانه ۱4اگزافلاپس (exaFLOPS) است و هدف نهایی این پروژه، اتصال این سیستم‌ها در مقیاس جهانی برای دستیابی به توان پردازشی 36 اگزافلاپس است.این زیرساخت فیزیکی عظیم،

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی | گرافیست و صفحه آرا | آزاد عبداللهی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۲۶۶۶۴ | آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۴
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۳۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



دوب شدن دیتا سنتر

اتحاد سنتی ایالات متحده آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس (شامل امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر، بحرین و کویت) که دهمها بر پایه مبادله انرژی در برابر تسلیحات متعارف و چتر امنیتی استوار بود سالهاست که به سمت یک همگرایی عمیق فناورانه تغییر مسیر داده است.

۷

زنگ خطر برای نتاثر

از کمبود سالن و بودجه و ضعف حمایت از گروه های مستقل تا غلبه مناسبات تجاری، کمرنگ شدن جایگاه خلاق کارگردان و فاصله گرفتن بخشی از تولیدات نمایشی از مسائل جامعه.

۶

چرا رئال مادرید در حال از دست دادن شکوه خود است؟

تیم فوتبال رئال مادرید در حال عبور از یک دوره تاریک و بحرانی است. دو فصل گذشته، شکستی مطلق در کسب عناوین بود و فصل جاری نیز با نشانه هایی از بی ثباتی آغاز شده است. اگر رئال در تقابل حساس بعدی با بارسلونا (ال کلاسیکو) شکست بخورد، فاصله این تیم با صدرنشین لالیگا پس از تنها ۱۰ هفته به ۹ امتیاز خواهد رسید. مشکل اصلی رئال، تنها در نتایج مسابقات و امتیازهای از دست رفته نیست. افت عملکرد می تواند بخشی از چرخه طبیعی فوتبال باشد اما ریشه اصلی بحران فعلی در انتخاب یک مسیر «سمی» و مخرب در فضای عمومی نهفته است. رئال مادرید در حال از دست دادن جذابیت، کاریزما و آن شکوه معنوی است که همیشه متمایزکننده آن از سایر باشگاه ها بود. در سال های اخیر، رئال مادرید به طور آگاهانه موضع «قربانی» را در برابر تمام نهادهای ورزشی اتخاذ کرده است. این یک رفتار گذرا یا تصادفی نیست، بلکه یک استراتژی سیستماتیک است که پس از هر مسابقه با شدت بیشتری فعال می شود: «همه چیز تقصیر داوران است.» این رویکرد باعث شده تا بحث های فنی فوتبال در مادرید جای خود را به دادگاه های اخلاقی و اتهامات داوری بدهد. رئال با استفاده از رسانه های اختصاصی خود موجی از اعتراضات را راه می اندازد که هدف آن، ایجاد فشار بر نهادهای حاکم بر فوتبال است. پیامد این رفتار، فراتر از جنگال های رسانه ای است؛ این استراتژی مستقیماً انضباط تیمی را از بین می برد. وقتی بازیکنانی مانند وینیسیوس جونیور پس از دریافت کارت قرمز (حتی اگر کاملاً عادلانه باشد)، بلافاصله در رسانه های اجتماعی خود را در نقش قربانی جلوه می دهند، یک پیام خطرناک به سایر بازیکنان ارسال می شود: «تو مسئول اشتباهات خود نیستی، بلکه سیستم علیه توست.» این نوع «جایگزینی مفاهیم»، مانع از آن می شود که بازیکنان از خطاهای رفتاری خود درس بگیرند. در واقع، رئال با تمرکز بر اعتراض به داوران از اصلاح رفتار بازیکنان خود باز می ماند و به جای رشد، به سمت انحراف رفتاری حرکت می کند.



در دنیای پیچیده سیاست فوتبال، وفاداری ها

🔴 در دنیای پیچیده سیاست فوتبال، وفاداری ها کمتر از چرخ های یک ماشین گول پیکر تغییر جهت می دهند، اما روز جمعه در کنگره فوق العاده کنفدراسیون فوتبال آسیا در توکیو شاهد صحنه ای بودیم که نشان داد حتی سخت ترین شکاف ها نیز می توانند در سایه منافع مشترک ترمیم شوند. شیخ سلمان بن ابراهیم آل خلیفه در حرکتی که نشان دهنده یک چرخش استراتژیک و ناگهانی است، با آغوشی باز و در میان تشویق ها از جانی اینفانتینو برای یک دوره دیگر ریاست فیفا حمایت کرد. این صحنه، تنها یک ابراز علاقه ساده نبود؛ بلکه پیام مهمی به دنیای فوتبال بود: آسیا با ۴۷ عضو خود، اکنون به جای انتقاد، به ستون اصلی حمایت از اینفانتینو تبدیل شده است. این تغییر موضع برای کسانی که روند سیاست های را دنبال می کنند، بسیار ناگهانی و شگفت آور است.

آیا فوتبال برزیل قربانی سیاست شده است؟

از 20 باشگاه سطح اول، لوگوی سایت های شرط بندی را بر پیراهن خود حمل می کنند. ستاره هایی چون نیمار و وینیسیوس جونیور مبالغ هنگفتی را از طریق تبلیغ این شرکت ها به دست می آورند. این وضعیت، تضاد منافع را به اوج رسانده است؛ همان طور که رئیس باشگاه فلامنگو در پادکستی با گلایه پرسید: «من چطور قرار است هزینه های [لوکاس] پاکتا را تأمین کنم؟» در مقابل، بولسونارو با انتقاد از این ممنوعیت، سیگنال هایی مبنی بر بازگشت این درآمدها در صورت پیروزی ارسال کرده است.

تقابل دو جهان: فردگرایی در برابر جمع گرایی
این بحران مالی و سیاسی، در واقع بازتابی از یک تضاد بنیادین در فلسفه فوتبال است. از یک سو، فوتبالی را می بینیم که در خدمت «اراده فردی» است؛ جایی که هدف، کسب امتیاز، تجمع سرمایه، لذت درهم کوبیدن حریف و رسیدن به اوج های شخصی است. در این نگاه، فوتبال ابزاری است برای نمایش قدرت و ثروت.

از سوی دیگر، رویکردی وجود دارد که فوتبال را به عنوان «بیانیهای از اراده جمعی» می بیند؛ وسیله ای برای نمایش غرور منطقه ای، نمایندگی اقلیت ها و تعامل اجتماعی. وقتی بحث بر سر بودجه باشگاه ها و اخلاق در قمار پیش می آید، در واقع این پرسش مطرح می شود که آیا فوتبال باید در خدمت سودآوری مطلق باشد یا وظیفه ای اجتماعی برای حفظ سلامت جامعه و هویت ملی ایفا کند؟

انتخابات برزیل، تنها انتخاب یک رئیس جمهور نیست؛ بلکه انتخاب میان این دو جهان است: جهانی که در آن فوتبال صرفاً ابزاری برای نمایش شکوه فردی و ثروت است و جهانی که در آن فوتبال، بازنمایی ارزش های جمعی و همبستگی مدنی است.

در برزیل، فوتبال دیگر تنها یک بازی نیست؛ بلکه میدانی است که در آن عمیق ترین تضادهای سیاسی و اخلاقی یک ملت به نمایش درمی آیند. با نزدیک شدن به انتخابات، خطوط مرزی که جامعه را از هم جدا کرده، دقیقاً همان پرسش هایی است که فوتبال دهه ها است با آنها دست و پنجه نرم می کند: آیا فوتبال بازی تیمی است یا ابزاری برای نمایش اراده های فردی؟ آیا هدف، تنها پیروزی، کسب عناوین و تجمع ثروت است، یا می تواند تجلی غرور جمعی و نمادی از هویت مدنی باشد؟

نیمرخ نیمار: قهرمان یا مظهر بی پروایی؟
برای بسیاری زندگی حرفه ای نیمار که اکنون در واپسین روزهای درخشش خود در سانتوس، با شکوهی رو به افول می گذرد، ممکن بود یک داستان عبرت آموز باشد؛ داستان استعدادی که در مسیر خوش گذرانی و بیهودگی، مسیر عظمت خود را از دست داد اما در واقعیت فعلی، نیمار نماد یک قهرمان آرمان گراست. او مردی است که ثروت و شهرت را به سطحی فراتر از رویاهایش رسانده و تمام این مسیر را با نگاهی سرکش و بدون تمایل به عذرخواهی از کسی طی کرده است. نیمار که به طور علنی از سونارو (رئیس جمهور راست گرای سابق) حمایت کرده، تجسم زنده همان فردگرایی است که در تقابل با ساختارهای جمعی قرار دارد.

نبرد بر سر قمار و سرمایه ها
اما میدان جنگ اصلی در این انتخابات، نه بازیکنان، بلکه خود باشگاه ها هستند. ماه گذشته، لولا (رئیس جمهور فعلی) با وضع ممنوعیت بر شرط بندی های ورزشی در برزیل، موجی از خشم را در بدنه فوتبال این کشور برانگیخت. این اقدام در کشوری که تخمین زده می شود 7 درصد جمعیت آن با اعتیاد به قمار دست و پنجه نرم می کنند، یک تصمیم سیاسی - اجتماعی جسورانه بود. بحران از اینجا آغاز می شود که قمار آنلاین یکی از اصلی ترین منابع درآمدزایی فوتبال مدرن است. در برزیل، 14 باشگاه

